



شرایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم



محسن قرائتی
به کوشش حسن ملایی

سرشناسه	- قرائتی، محسن، ۱۳۲۴ :
عنوان و نام پدیدآور	: شرایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم (بر اساس آثار استاد محسن قرائتی) / به کوشش حسن ملایی.
مشخصات نشر	: قم؛ بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۱۹ ص.: ۱۴×۵،۲۱ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۵۳-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: محمدمبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۳۵۵ق. - -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	: مهدویت -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	: مهدویت--احادیث
موضوع	: مهدویت -- انتظار
شناسه افزوده	: ملایی، حسن، ۱۳۵۶ - گردآورنده
رده بندی کنگره	: BP1۰۴/۱۳۶۹
رده بندی دیوبی	: ۲۹۷/۱۵۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۶۰۹۵۹۱

شرایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم



بنیاد فرهنگی
بنتیجه
انتشارات

- مؤلف: محسن قرائتی
- به کوشش: حسن ملایی
- ویراستار: رامین بابا گلزارده
- ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود
- صفحه‌آرا: داودد هزاره
- طراح جلد: عباس فریدی
- نوبت چاپ: اول-پاییز ۱۳۹۳
- شابک: ۵۳-۸-۷۱۲۰-۶۰۰-۹۷۸
- شماره گان: هزار نسخه
- قیمت: ۴۵۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

○ قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود / خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان / پ: ۲۶ / همراه: ۰۹۱-۹۶۷۸۹۱۱ / تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۱۶ و ۱۱۷) / ۳۷۸۴۱۱۳۱ (فروش) / ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت) / فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

○ تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود / تلفن: ۸۸۹۰۴۹ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ / ص.پ: ۰۹۱-۹۶۷۸۹۱۱

○ www.mahdi313.com

○ www.mahdaviat.ir

○ info@mahdaviat.ir

○ Entesharatbonyad@chmail.ir

الله اعلم

شرایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم

(بر اساس آثار استاد محسن قرائتی)

فهرست مطالب:

بخش اول: کلیات

۱۳.....	۱. حتمی بودن ظهور حضرت مهدی ﷺ در قرآن
۱۸.....	۲. رابطه علت غیبت با مسئله ظهور
۲۰.....	۳. زمینه‌سازی برای ظهور در قرآن
۲۲.....	۴. قرآن و جایگاه تلاش در رسیدن به آرزوها
۲۴.....	۵. رابطه تلاش و دعا در قرآن
۲۶.....	۶. نقش توکل در زمینه‌سازی ظهور
۲۸.....	۷. قرآن و مسئله امدادهای غیبی
۳۲.....	۸. شرایط نزول امدادهای الهی از منظر قرآن
۳۳.....	۱-۸. صبر و استقامت
۳۳.....	۲-۸. یاری دین خدا
۳۴.....	۳-۸. جهاد و مبارزه با دشمن

شرایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم

۳۴	۴-۸. تقوای الهی
۳۵	۵-۸. مساعدة و تلاش
۳۵	۶-۸. ایمان به پروردگار
۳۶	۷-۸. عدم ارتباط با کافران
۳۶	۸-۸. انجام تکلیف
۳۷	۹-۸. استغفار و توبه
۳۷	۹. حقیقت انتظار، یعنی تلاش برای آمادگی و زمینه‌سازی
۴۳	۱۰. وظیفه ما در مسئله ظهور
۴۴	۱۱. لزوم توجه به شرایط ظهور، نه علائم ظهور

بخش دوم: شرایط ظهور امام زمان

۴۶	الف) شرایط الهی ظهور
۴۶	۱. اراده پروردگار
۴۹	۲. وجود رهبری معصوم، توانا و آگاه برای جهان
۵۳	۳. داشتن برنامه و قوانین جامع برای جهان
۵۷	ویژگی‌های قانون‌گذار
۶۲	۴. امداد الهی و غیبی
۶۴	ب) شرایط انسانی ظهور
۶۴	فراهم شدن شرایط انسانی ظهور؛ حکمت امتحانات عصر غیبت
۶۵	الف) شکوفا شدن استعدادهای نهفته در انسان
۶۶	ب) جداسازی افراد نیک از بد
۶۶	ج) جداسازی صفوف مجاهدان و صابران از غیر آنها
۶۶	د) بیداری از غفلت

فهرست مطالب

۱. شرایط مربوط به کارگزاران و کادر امام عصر	۷۰
۱-۱. ایمان مستحکم	۷۴
۱-۲. عبادت و مناجات	۷۴
۱-۳. معرفت به امام	۷۵
۱-۴. ولایت‌پذیری و اطاعت از امام	۷۷
۱-۵. جان‌نثاری برای امام و شهادت‌طلبی	۷۹
۱-۶. تقوا و پرهیزگاری	۸۰
۱-۷. اخلاق محوری	۸۱
۱-۸. نصرت دین خدا و ترویج احکام الهی	۸۲
۱-۹. کارآمدی و تخصص	۸۳
۱-۱۰. توانایی جسمانی	۸۵
۱-۱۱. صبر و استقامت	۸۶
۱-۱۲. اخلاص و انگیزه الهی	۸۸
۱-۱۳. دوری از غرور	۸۸
۱-۱۴. روحیه جهاد و مبارزه	۸۹
۱-۱۵. اصلاح‌گری در جامعه	۹۰
۲. شرایط مربوط به عموم مردم	۹۳
۲-۱. پذیرش روحی	۹۳
۲-۲. آمادگی معرفتی	۹۵
۲-۳. تبعیت عملی	۹۶
۲-۴. تقوا و ترک گناه	۹۷
۲-۵. همدلی در طلب ظهور	۹۸

۹۹	۶-۲ یأس از حکومت‌ها و خستگی از مکتب‌های بشری
۱۰۰	۷-۲ اطاعت از نایب امام و ولی فقیه
۱۰۲	۸-۲ دعای همگانی برای امام زمان <small>ع</small> ، وظیفه‌ای همگانی

خاتمه: پاسخ به چند پرسش

۱۰۶	۱. پرسش: در برخی احادیث آمده: اگر کسی پیش از قیام امام زمان <small>ع</small> قیام کند، قیامش باطل است. منظور از این روایت چیست؟
۱۰۸	۲. پرسش: با وجود لزوم اطاعت از امام عصر، حال که امام زمان <small>ع</small> غایب است، چگونه می‌توانیم مطمئن شویم که بر طبق خواسته ایشان رفتار کرده‌ایم؟
۱۱۰	۳. پرسش: در احادیث فراوانی آمده است: امام زمان <small>ع</small> زمانی ظهور می‌کند که دنیا پر از ظلم و ستم شود. اگر این‌گونه است چه نیازی به آماده کردن شرایط ظهور است؟
۱۱۱	۴. پرسش: آیا انتظار امام زمان <small>ع</small> به معنای سکوت و بی‌تفاوتو در برابر ظلم است؟
۱۱۲	۵. پرسش: یکی از شرایط انسانی ظهور و نیز از جمله عوامل اصلی موفقیت در بلاها و امتحان‌های عصر غیبت، صبر و استقامت است. قرآن کریم، راه صبر بر مشکلات را چه می‌داند؟
۱۱۷	کتاب‌نامه:

مقدمه:

اگرچه بررسی معارف دینی به خوبی گواه آن است که مباحث مهدویت از یک نظر، جزئی قطعی از این معارف است، باید اذعان داشت که از حیث اهمیت و اولویت، همه مباحث مهدوی هم رتبه نیستند و برخی از آن‌ها، مهم‌تر و پرداختن به آن شایسته‌تر است.

در میان مباحث مهدویت، مسئله ظهور امام زمان^ع و تأسیس حکومت عدل جهانی ایشان، از آن رو که تحول جدی در زندگی بشر و در رشد همه جانبی او ایفا می‌کند، مهم‌ترین موضوع است، اما متأسفانه برخی به جای تلاش برای شناخت شرایط لازم برای ظهور و سپس تدارک آن شرایط، به دلایل مختلف و به گونه‌ای افراطی، به بحث علائم و نشانه‌های ظهور که در روند ظهور، تأثیری نداشته و تکلیفی را بر دوش ما

نمی‌گذارد، می‌پردازند؛ در نتیجه به جای این‌که امام غایب و غریب خود را
از غربت درآورند با غفلت از وظیفه، بر این غربت می‌افزایند!

این نوشتار، حاصل تدوین تفکرات و اندیشه‌های حجت
الاسلام و المسلمين محسن قرائتی است. گفتنی است در تدوین این اثر، از
نرم‌افزار «مجموعه آثار» ایشان، که از آثار مکتوب و بیش از سه دهه
سخنرانی‌های ایشان در مجموعه «درس‌هایی از قرآن» فراهم گردیده،
استفاده شده است.

این کتاب سعی دارد با تکیه به مطمئن‌ترین منبع دین، یعنی قرآن کریم و با
کمک مفسران حقيقی آن، یعنی مصصومان لهملا و نیز با نگاهی
آسیب‌شناسانه، ضمن پیرایش تصور عمومی درباره مقوله ظهور، برداشت
صحیح از ظهور و شرایط آن را به همگان عرضه و مقدمات تلاش برای
فراهم کردن زمینه‌های مردمی ظهور را فراهم و بدین وسیله، زمینه تعلق
اراده خداوند به ظهور را مهیا کند.

تدوین‌گر: حسن ملایی

بخش اول: کلیات

مقدمه

سخن از بررسی شرایط ظهور و آن هم با توجه به آیات قرآنی، یکی از مهم‌ترین موضوعات در حوزه مباحث مهدویت است که پرداختن به آن، برای همه منتظران امام زمان ﷺ ضرورت دارد. اما پیش از ورود به بحث، نیازمند طرح مقدماتی هستیم تا با تکیه بر آنها مباحث خود را بیان کنیم؛ از این رو، این بخش به کلیاتی در این باره اختصاص دارد.

۱. هتمی بودن ظهور حضرت مهدی ﷺ در قرآن

مسئله حضرت مهدی ﷺ و قیام جهانی ایشان، علاوه بر آیات قرآن، در روایات بسیاری از طریق شیعه آمده است؛ حتی در اغلب کتب حدیثی عامه نیز طرح شده و از مسلمات اعتقادی مسلمانان است. همان‌گونه که می‌دانیم، حضرت مهدی ﷺ در سال ۲۵۵ هجری قمری به دنیا آمده و سپس به دلایلی از دیدگان مردم غایب شده است؛ البته غیبت حضرت در دو مرحله بوده است: غیبت کوتاه (صغری) و غیبت طولانی (کبری). در مرحله نخست که حدود هفتاد سال به طول انجامید، شیعیان به واسطه چهار نایب خاص، با حضرت ارتباط داشته و امور دینی خود را به فرمان امام زمان ﷺ انجام می‌دادند، تا آنکه حضرت به چهارمین نایب خود، علی بن محمد سمری خبر دادند که چند روز دیگر از دنیا می‌رود و دیگر پس از او شخص خاصی میان من و مردم واسطه نیست، چراکه غیبت کبری آغاز شده است.

ایشان همچنین راه شناخت وظایف و تکالیف را برای شیعیان مشخص و آنها را موظف کرد به دانشمندان دینی رجوع کنند:

در حوادثی که برای شما پیش میآید، به فقیهان و روایت‌گران سخنان ما مراجعه کنید، زیرا آنها حجت من بر مردم هستند، همان‌گونه که من حجت خدا بر آنان هستم.^۱

از آن زمان، غیبت طولانی حضرت آغاز گشته و هنوز ادامه دارد. ایشان طبق صدھا آیه و حدیث معتبر برای تشکیل حکومت عدل جهانی ظهور خواهد کرد.

برخی از آیاتِ حکایت‌گر حتمیت حکومت مهدوی، عبارتند از:

آیه اول:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ
لِيُنَظِّهِرَةٌ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾؛ او کسی است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین‌ها پیروز گردداند، هرچند مشرکان ناراحت باشند.^۲

۱. شیخ صدوq، *كمال الدين و تمام النعمه*، ج ۲، ص ۴۸۴.

۲. توبه، آیه ۳۳.

این آیه به همین صورت، علاوه بر این سوره در دو سوره دیگر نیز آمده است: سوره فتح، آیه ۲۸ و سوره صف، آیه ۹. گرچه اسلام از نظر منطق و استدلال همیشه پیروز بوده است، اما این آیه، غلبه ظاهری و وعده حاکمیت اسلام بر جهان را بیان می‌کند؛ چنان که در آیات دیگری نیز «ظَهَرَ» به معنای استیلا یافتن آمده است؛ مثل: ﴿إِنْ يَظْهُرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ﴾^۱؛ اگر بر شما غالب شوند، سنگسار تان می‌کنند. و درباره کفار آمده است: ﴿إِنْ يَظْهُرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِي كُمْ إِلَّا وَ لَا ذَمَّةٌ﴾^۲؛ اگر بر شما غالب شوند، هیچ عهد و پیمانی را مراعات نمی‌کنند. از سویی، این آیه تاکنون تحقق نیافته است و از سوی دیگر، خداوند وعده حاکمیت کلی اسلام را داده و وعده‌اش دروغ نیست؛ در نتیجه، همان‌گونه که در روایات بسیاری آمده است، این آیه به ظهور حضرت مهدی ﷺ اشاره دارد.

امام صادق علیه السلام در سخنی فرمود:

هنگامی که قائم ما قیام کرد، جایی در روی زمین باقی نمی‌ماند، مگر این که در آنجا صدای «اشهد ان لا اله الا الله» و «اشهد ان محمد رسول الله» بلند می‌شود.^۳

۱. کهف، آیه ۲۰.

۲. توبه، آیه ۸.

۳. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳.

و فرمود:

هرگاه قائم ظهور کند، عدل را در میان مردم برقرار
می‌سازد و جور و ستم در زمان او بر طرف می‌شود و
راه‌ها امن می‌گردد. در زمان او، زمین بركات خود را
بیرون می‌کند و قائم، هر حق را به اصحاب
برمی‌گرداند. در ظهور او تمام مردم روی زمین، دین
اسلام را خواهند پذیرفت و آیه شریفه: «وَ لَهُ أَنْلَمْ
مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ
يُرْجَعُونَ»^۱ مصدق بیدا خواهد کرد. قائم در میان
مردم، مانند حضرت داود^{علیه السلام} و حضرت محمد^{علیه السلام}
حکم می‌کند. در آن زمان، گنج‌های زمین ظاهر و
زینت‌هایش آشکار می‌شود، همه مردم ثروت‌مند
خواهند شد و دیگر جایی برای مصرف صدقات بیدا
نخواهد شد.^۲

آیه دوم:

«وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ
الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ»^۳; و همانا در اکتاب

۱. آل عمران، آیه ۸۳

۲. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمہ، ج ۲، ص ۴۶۵

۳. انبیاء، آیه: ۱۰۵

آسمانی) زبور (که) بعد از ذکر (تورات، نازل شده) نوشتیم که قطعاً بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد.

کلمه «زبور» در لغت عرب، به معنای هر نوع نوشته و کتاب است: **﴿وَكُلُّ**
شَيْءٌ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ﴾^۱ ولی به قرینه آیه: **﴿وَأَتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا﴾**^۲ به نظر می‌رسد که مراد، کتاب اختصاصی حضرت داود^{علیه السلام} باشد که دربرگیرنده مجموعه مناجات‌ها، نیایش‌ها و اندرزهای آن حضرت است. این کتاب بعد از تورات نازل شده و مراد از «ذکر» در این آیه نیز همان تورات است؛ چنان‌که در آیه ۴۸ همین سوره هم گذشت که تورات، ذکر است.

بعضی گفته‌اند که منظور از «زبور» در این آیه، تمام کتب آسمانی و مراد از «ذکر»، قرآن مجید است و عبارت «من بَعْدِ» نیز به معنای «علاوه بر» می‌آید؛ در این صورت، معنای آیه چنین می‌شود: ما علاوه بر قرآن، در تمام کتب آسمانی نوشتیم که وارثان زمین هر آینه، بندگان صالح من خواهند بود. در روایات متعدد آمده است که آن بندگان صالحی که وارث زمین خواهند شد، حضرت مهدی^{علیه السلام} و یارانش هستند.^۳

۱. قمر، آیه ۵۲.

۲. نساء، آیه ۶۳ و اسراء، آیه ۵۵.

۳. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۷۷.

حقیقت آن است که همه ادیان معتقدند نجات‌دهنده‌ای خواهد آمد؛ لذا در زیارات مهدوی داریم: «السَّلَامُ عَلَى مَهْدِيِّ الْأُمَّةِ»؛^۱ سلام بر تو ای امامی که همه امت‌ها منتظر تو هستند! به همین جهت، موضوع ظهور وی، یکی از موضوعات مهم در مباحث مهدویت است.

۲. رابطه علت غیبت با مسئله ظهور

در احادیث گوناگون، علت عدم درک محضر امام زمان^ع بیان شده است؛ از جمله آن‌که خود ایشان ارتکاب گناه را سبب این امر معرفی کرده و فرموده‌اند: «فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُ»؛^۲ ما را از شما حبس نمی‌کند، مگر اعمال ناپسندی که از ناحیه شما به ما می‌رسد. این سخن با صراحة می‌گوید که به سبب اعمال زشتی که انجام داده‌ایم، توفیق درک ظهور را پیدا نمی‌کنیم.

هم‌چنین وقتی از امام صادق^ع سوال می‌کنند که چرا امام زمان^ع غایب می‌شود، آمده است: «وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى عُنْقِهِ»؛^۳ یعنی ایشان به گردن خود اشاره می‌کردند؛ کنایه از این‌که اگر باید، کشته می‌شود. بنابراین، از

۱. بخارا/انوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱.

۲. محمد باقر مجلسی، بخارا/انوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

۳. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۵.

مجموع این روایات به دست می‌آید که علت غیبت امام دوازدهم، عدم آمادگی مردم برای پذیرش رهبری امام زمان است. خداوند آن حضرت را برای زمان مناسب ذخیره فرموده است، تا زمانی که رشد و فرهنگ مردم به جایی برسد که بتوانند نور امامت را درک و از آن بهره‌گیری کنند.

اگر اداره برق یک شهر برای روشنایی کوچه‌ای، تیر چراغ برقی نصب کرد و لامپی به آن زد، ولی بچه‌های کوچه با زدن سنگ لامپ را شکستند، مأمور اداره، لامپ دیگری می‌زند. چنانچه مجددًا بچه‌ها لامپ را هم بشکنند، باز اداره برق، برای روشنایی محل اقدام به نصب لامپ دیگری می‌کند. حال اگر برای بار سوم بچه‌های بی‌ادب لامپ را شکستند، به احتمال فراوان، اداره برق تمايلی به نصب مجدد لامپ ندارد، اما به خاطر خواهش بزرگترها و رفاه حال اهالی آن کوچه، ممکن است لامپ دیگری را نصب کند. اما فکر می‌کنید اداره برق تا چه تعداد این کار را انجام دهد؟ در مورد بحث ما نیز، حاکمان ستم‌گر، یازده چراغ هدایت را شکستند! خداوند نیز چراغ دوازدهم را نگه داشت تا زمانی که مردم لیاقت و آمادگی بهره‌گیری از این چراغ هدایت را پیدا کنند؛ بنابراین، باید زمینه‌های ظهور و حکومت مهدوی با فراهم شدن شرایط آن، آماده شود.

۱۳. زمینه‌سازی برای ظهور در قرآن

آیاتی در قرآن بر وجود زمینه‌ها و شایستگی‌های انسانی برای نزول و فراگیری برکات و رحمت‌های پروردگار دلالت دارد؛

﴿وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرْبَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ
بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ
بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾؛ و اگر مردم شهرها و آبادی‌ها
ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، قطعاً (درهای)
برکات آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم، ولی آنان
(آیات ما را) تکذیب کردند؛ پس ما هم به خاطر
عمل کردشان آنان را (با قهر خود) گرفتیم.

از مصاديق بارز این آیه، دوران ظهور حضرت مهدی^ع است که به گفته روایات، در آن زمان برکات از آسمان و زمین سرازیر می‌شود. از امام صادق^ع روایت شده است:

چون حضرت قائم^ع قیام کند، به عدالت حکم فرماید و در دوران او ستم برداشته شود، راه‌ها امن گردد، زمین برکت‌های خود را بیرون آورد و هر حقی به اهلش رسد.^۲

۱. اعراف، آیه ۱۹۶.

۲. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمہ، ج ۲، ص ۴۶۵.

امام حسن عسکری^ع نیز فرمودند:

در دولت او، درندگان آزادانه زندگی می‌کنند، زمین
چنان که باید گیاهان خود را بیرون می‌دهد، آسمان برکات
خود را فرومی‌فرستد و گنج‌ها (و معادن) زمین برای او
آشکار می‌شود.^۱

نکاتی در این آیه وجود دارد که بر تلاش ما در جلب رحمت پروردگار
تأکید می‌کند:

۱. ایمان به تنها یی کافی نیست، بلکه تقوا لازم است: «آمنُوا و اتقُوا».
۲. بستن و گشایش، در اختیار خداست (لَفَّحُنا)، اما بازتابی از
عمل کرد ماست.
۳. عامل محرومیت‌ها و مشکلات، عمل کرد خود ماست: «بِمَا كَانُوا
يَكْسِبُونَ».

بر این اساس، برای این‌که اسلام دنیا را بگیرد و نعمت‌های الهی بر بشریت
بیارد، باید شرایط آن مهیا شود.

۱. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۱.

۱۴. قرآن و جایگاه تلاش در رسیدن به آرزوها

آرزوهای هر انسان، انگیزه زندگی اوست و هر کسی به شوق رسیدن به آرزوایش به سر می‌برد و راههایی را برای دستیابی به آن جستجو می‌کند. در منطق قرآن کریم، تلاش و کوشش، سهم زیادی در به دست آوردن آرزوها و منافع دارد، به طوری که در این کتاب زندگی آمده است:

﴿وَ أَنْ لَيْسَ لِلإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى أَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ

يُرَى﴾؛^۱ و این‌که برای انسان جز آنچه تلاش کرده،

(بهره دیگری) نیست و این‌که تلاش و سعی او را به

زودی به وی بکنند.

این آیه به روشنی بیان می‌کند که:

اولاً: هستی، میدان تلاش و کار و نتیجه‌گیری است: ﴿وَ أَنْ لَيْسَ لِلإِنْسَانِ

إِلَّا مَا سَعَى﴾.

ثانیاً: ما مکلف به انجام وظیفه‌ایم، نه حصول نتیجه. سعی و تلاش، وظیفه

ماست: «إِلَّا مَا سَعَى».

ثالثاً: ایمان به بقای عمل و نظام عادلانه کیفر و پاداش، انسان را در برابر

رفتار خود، هم دلگرم و تشویق و هم محاط و مسئول می‌کند: «وَ أَنَّ

سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى».

۱. نجم، آیات ۳۹-۴۰.

رابعاً؛ هیچ عملی در هستی محو نمی شود: «سَعْيَهُ سَوْفَ يُرِى».

خامساً؛ نیکوکاران در دریافت پاداش کار خود، عجله نکنند: «سَوْفَ يُرِى».

یکی از آرزوهای بلند و مقدس همه ما شیعیان، ظهور امام زمان ﷺ است،

اما شاید کسانی بگویند: ما در زمینه‌سازی برای ظهور ایشان، با بسیاری از

امور آشنایی نداریم! قرآن کریم دست کشیدن از تلاش را با این بهانه قبول

ندارد و برای دفع چنین تفکر غلطی، کوشش در راه خدا را زمینه دریافت

لطف ویژه خدا و نشان دادن راههایی می‌داند که تاکنون برای ما مخفی

بوده و به آن آگاهی نداشتم؛ چنان‌که می‌فرماید:

﴿وَ الَّذِينَ جاهَدُوا فِينَا لَنَهَدِيهِمْ سُبْلَنَا﴾؛ و

کسانی که در راه ما (تلاش و) جهاد کردند، راههای

(قرب به) خود را به آنان نشان خواهیم داد.

حاصل آن‌که، با شعار و آرزو نمی‌توان به چیزی دست یافت و این کار،

عمل و سخت‌کوشی است که شیرینی موفقیت را به کام انسان می‌نشاند.

بنابراین، اگر کسانی واقعاً می‌خواهند که دوران ظهور امام زمان ﷺ و

حکومت عادلانه او را درک و از برکات آن استفاده کنند، خودشان نیز باید

برای تحقق چنین حکومتی به اندازه توانایی که دارد تلاش کنند.

۵. ابظة تلاش و دعا در قرآن

یکی از اعمالی که در عصر غیبت امام عصر^۱ باید منتظران قدوم مبارکش انجام دهنند، بحث دعا برای فرج و ظهور است. خود امام عصر^۲ نیز از ما خواسته اند: «وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُوكُمْ». ^۱ این موضوع باعث شده که برای برخی این سؤال پیش آید که وقتی قرار است برای ظهور امام زمان^۳ دعا کنیم، دیگر چه نیازی به تلاش برای زمینه سازی برای ظهور است؟

پاسخ آن است که دعا در کنار تلاش و کوشش است، نه به جای آن. در قرآن کریم آمده است که رزمندگانی که سینه سپر کرده و آماده دفاع هستند، این گونه دعا می‌کنند:

﴿رَبَّنَا أَفْرَغْ عَلَيْنَا صَبَرًا وَ ثَبَتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا
عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾^۲; پروردگار! صبر و شکیایی بر ما فرو ریز و قدمهای ما را ثابت و استوار بدار و ما را بر گروه کافران پیروز فرما.

۱. شیخ صدوq، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۵.

۲. بقره، آیه ۲۵۰.

راز اين مطلب هم آن است که اگرچه وظيفه انسان، حرکت و تلاش است، پیروزی به دست خداست و به همین علت در ابتدا از پروردگار می خواهد که آنها را پیروز کند: «رَبَّنَا... وَ أَنْصُرْنَا».

يعني اين گونه نيسست که همه کارها به دست ما درست شود؛ مثل اين که ممکن است شما همه برقها را بزنيد، اما از اداره برق قطع باشد. اگر از اداره برق قطع باشد، شما همه کلیدها را هم بزنيد روشن نمی شود؛ از اداره برق قطع است. اگر خدا نخواهد، شما هرچه هم تلاش کنيد، بی فایده است. پس ببینيد اين حد وسط است؛ به خاطر همین هم گفته اند که تلاش کنيد، اما هنگام شروع آن بگويند: «إِنْ شَاءَ اللَّهُ»؛ يعني اگر خدا بخواهد، من اين کار انجام می دهم.

مروری بر زندگاني معصومان عليهم السلام نيز نشان می دهد، با وجود اين که مظاهر دعا بودند، اما شبانيه روز، در حال تلاش و کوشش نيز بودند. حضرت امير عليه السلام نه فقط در جبهه، که در جامعه و خانه اش هم، مرد کار بود. هم علف پاک می کرد و کفش را وصله می کرد و هم مشک آب را برای یتیمها می کشد؛ يعني خدمات اجتماعي انجام می داد. امام باقر عليه السلام بيل دست می گرفت و در هوای داغ حجاز بيل می زد. کسی آمد و به امام گفت: شما از فاميل و اهل بيت پیغمبر صلوات الله عليه و آله و سلم و از سادات قريش هستي. اگر الان مرگ برسد، چه می کنی؟ دنبال دنيا هستی؟ آن حضرت فرمود: در بهترین

حالات هستم. بیل به دست دارم. کسی که بیل در دست دارد، در شریف‌ترین حالات است. و الان اگر مرگ بباید، استقبال می‌کنم و افتخار می‌کنم که در این حال بمیرم، چون پول تهیه می‌کنم تا به مثل تو نیاز نداشته باشم.

در روایت می‌خوانیم که دعای افرادی که بی‌کارند و هیچ تلاشی نمی‌کنند، مستجاب نمی‌شود. این مطلب ریشه قرآنی دارد، زیرا وقتی در مورد شرایط استجابت دعا به این کتاب آسمانی مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که ایمان و انجام اعمال صالح را دو شرط استجابت دعا معرفی کرده و می‌فرماید: «وَ يَسْتَجِيبُ اللَّهُ لِمَنْ أَمْنَى وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»^۱، و کدام عمل از اصلاح امر فرج امام عصر، صالح‌تر است.

۴. نقش توکل در (زمینه‌سازی ظهور)

علاوه بر تصور اشتباه درباره دعا برای فرج، که در پیش توضیح داده شد و راه حل آن نیز بیان گردید، یکی از مشکلات عقیدتی در باب زمینه‌سازی برای ظهور، برداشت غلط درباره توکل است. این درست است که اسلام، خداوند متعال را تکیه‌گاه انسان معرفی می‌کند، زیرا از طرفی قدرتش بی‌انتها و بر همه چیز توانا و همه قدرت‌ها از او پدید آمده است و از

۱. سوری، آیه ۲۶.

سوی دیگر، از همه مهربان‌تر و أَرْحَمُ الرَّاحِمِين است و تمام صفاتی که در تکیه‌گاه تزلزل ناپذیر لازم است، تنها در او موجود است؛ اما باید دانست که توکل در مقابل جهد و سعی نیست که آیا جهد و سعی کنیم یا توکل؟ توکل یعنی انسان همیشه به آنچه مقتضای حق است، عمل کند و در این راه به خدا اعتماد کند که خداوند حامی و پشتیبان کسانی است که حامی و پشتیبان حقند. توکل، تضمین الهی است برای کسی که همیشه حامی و پشتیبان حق است و خداوند این عالم را طوری ساخته است که همواره از کسانی که حق و حقیقت را حمایت کنند، حمایت می‌کند. حق همواره تأیید معنوی با خود دارد.

اساساً کار نکردن و راه نرفتن که تضمین، و سکون و توقف، تأیید نمی‌خواهد. رنج و مشقت‌هایی در پیمودن راه هست که اراده را سست و عزیمت را فسخ می‌کند که توکل نیاز دارد. رسول خدا ﷺ عده‌ای را دید که زراعت و کشت و کار و نمی‌کنند و به آن‌ها فرمود: «شما چه کار می‌کنید؟» گفتند: ما توکل می‌کنیم. ایشان فرمود: «لاَ بَلْ أَنْتُمُ الْمُتَكَلُّوْنَ»؛^۱ چنین نیست؛ شما سربار مردم هستید! بنابراین مفهوم توکل، تسلیم حوادث شدن نیست، بلکه در عین به کار گرفتن تمام قدرت و نیرو، توجه داشته باشد که آنچه دارد از خود او نیست و آنان که فرمان خدا را زیر پا بگذارند و از فراهم کردن نیروهای مادی و معنوی غفلت ورزند، هرگز مشمول یاری او نخواهند بود.

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۱۷.

پس توکل، هیچ ربطی به فراهم نکردن زمینه‌های ظهور ندارد، بلکه برعکس؛ باید در این جهت تلاش کرد، متنهای نباید مغرور به اعمال خود شد و نه به بهانه توکل به خدا، کوشش در این راستا را تعطیل کرد.

۷. قرآن و مسئله امدادهای غیبی

مطلوب قابل توجه در راستای فراهم کردن شرایط ظهور، جایگاه امدادهای غیبی در ظهور امام زمان^ع است، چراکه برخی با خواندن روایات گزارش‌گر وقایع ظهور و رخ دادن معجزات و کرامات گوناگون چنین فهمیده‌اند که امر ظهور مهدی موعود^ع کاملاً با معجزه الهی رخ خواهد داد و به همین جهت، نیازی به تلاش مردم نیست؛ در حالی که این تصور در فرهنگ قرآن کریم اشتباه و ناشی از برداشت ناصحیح درباره امدادهای غیبی است.

اصل کمک‌های غیبی و امدادهای الهی موضوعی است که نه تنها در پیشگاه قرآن مورد قبول است، بلکه طبق آموزه‌های توحیدی اسلام، نصرت حقیقی از جانب خدا بوده و انسان به امدادهای الهی در همه حال نیاز است، چه در حال ضعف و چه در حال قدرت؛ هم چنان‌که در جنگ بدر با مسلمانانِ اندک، از نصرت الهی برخوردار شدند و در جنگ حُنین با تعداد زیاد، باز هم نصرت الهی به یاری آمد: «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَّ يَوْمَ حُنَيْنٍ»^۱.

۱. توبه، آیه ۲۵.

در میان بشارت‌های این کتاب آسمانی به مؤمنان نیز، یاری رساندن آن‌ها به شیوه‌ای غیرطبیعی و به تعبیری امدادهای غیبی است، چراکه این بشارت‌ها اثر فراوانی بر افزایش امید و تقویت روحیه مؤمنان خواهد داشت. قرآن در آیه سیزدهم سوره «آل عمران»، جریان جنگ بدر و نزول امدادهای آسمانی را برای عبرت ما چنین نقل می‌کند:

﴿قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فَتَنَّنِ الْقَتَالِ فَتَهَّبُوا فِي سَبِيلِ اللهِ وَأَخْرِي كَافِرَةٍ يَرَوْنَهُمْ مُثْلِيهِمْ رَأْيَ الْعَيْنِ وَاللهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لِعْبَرَةً لِأُولَئِي الْأَبْصَارِ﴾؛ به یقین، در دو گروهی که (در جنگ بدر)

با هم رو به رو شدند، برای شمانشانه (و درس عبرتی) بود؛ گروهی در راه خدا نبرد می‌کردند و گروه دیگر که کافر بودند (در راه شیطان و هوس خود). کفار به چشم خود، مسلمانان را دوبرابر می‌دیدند (و این عاملی برای ترس آنان می‌شد) و خداوند هر کس را بخواهد به یاری خود تأیید می‌کند. همانا در این امر برای اهل بیشن، پند و عبرت است.

در این نبرد، تعداد مسلمانان ۳۱۳ نفر بود که ۷۷ نفر آن‌ها از مهاجران و ۲۳۶ نفر از انصار بودند. پرچم‌دار مهاجران، حضرت علی علیه السلام و پرچم‌دار

انصار، سعد بن عباده بود. مسلمانان هفتاد شتر، دو اسب، شش زره و هشت شمشیر داشتند، ولی لشکر کفر بیش از هزار رزم‌مند و صد اسب‌سوار داشت. مسلمانان در آن جنگ با دادن ۲۲ شهید - چهارده نفر از مهاجران و هشت نفر از انصار - بر دشمن کافر که هفتاد کشته و هفتاد اسیر داده بود، پیروز شدند.

در این آیه می‌خوانیم که کفار، مسلمانان را دو برابر دیدند: «يَرَؤُنَهُمْ مِثْلَهِمْ»؛ در حالی که این‌چنین نبود و آن‌جا که خدا بخواهد دیدها، برداشت‌ها و افکار عوض می‌شود. بدین‌گونه، جنگ بدر نشان داد که اراده خداوند بر اراده خلق غالب و تنها امکانات مادی، عامل پیروزی نیست. بنابرین در اصل این مطلب تردیدی نیست.

ما هم قبول داریم که در امر ظهور و تشکیل حکومت حضرت مهدی ﷺ امدادهای الهی هم نقش دارند، اما طبق آیات قرآنی، تحقق امدادهای غیبی نیز خود دارای شرایطی است که مردم باید آن شرایط را حاصل کنند. درباره این مطلب در بخش شرایط مردمی ظهور، به طور مفصل صحبت خواهیم کرد که برای نمونه می‌توان به یکی از آیات بیان‌کننده این مطلب که اتفاقاً از آیات مهدوی هم است، اشاره کرد؛ آن‌جا که قرآن کریم در آیه ۱۲۵ سوره آل عمران می‌فرماید:

﴿لَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا
يُمْدِذُكُمْ رَبِّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ
مُسَوْمِينَ﴾؛ البته اگر صبر و مقاومت کنید و
پرهیزگاری نمایید (گرچه) دشمنان با خشم و
خروش بر شما بتازند، پروردگارتان شما را با
پنج هزار فرشته مخصوص مدد می‌رساند.

همان‌گونه که می‌بینید، در این آیه شریفه استقامت و تقوا، عامل نزول
فرشتگان و امدادهای غیبی معروفی شده است؛ لذا در احادیث مربوط به
وقایع ظهور، به حضور مؤمنان کارآمد که دارای شرایط، از جمله این دو
شرط است، در کنار امدادهای الهی تصریح شده و آمده است: «سه لشکر
برای یاری حضرت مهدی ﷺ می‌آیند؛ لشکری از فرشتگان، لشکری از
مؤمنان و ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان».

در زندگی ما نیز قاعده و اصل همین‌طور است؛ کسی نگوید حال که چنین
است، در امور شخصی هم خدا از طریق امدادهای غیبی به من کمک کند
تا امسال بدون درس خواندن در کنکور قبول شوم و یا کشاورزی
درخواست کند که بدون کشاورزی و فقط با امدادهای غیبی، محصول
خوبی به دست آورد! بنا نیست خداوند عالم، دنیا و نظام موجود در آن را

به هم بریزد. در قرآن کریم قدرت خدا بر اساس ربویت^۱ او و همراه با حکمت او مطرح شده است؛ کما این‌که در سوره انفال، وقتی خدای متعال جریان نصرت غیبی خدا در جنگ بدر را طرح می‌کند، می‌فرماید: ﴿...وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^۲ و نصرت خویش را بر اساس عزت و حکمت، قرار می‌دهد.

خداآوند قدرت دارد بدون درد زاییدن هم بچه بدهد، ولی حکمت خدا این را می‌گوید که بچه از راه درد زایمان و کشاورز از راه کشاورزی به هدفش برسد که: نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود. حکمت خدا این است که انسان با دست و پا زدن و با تلاش به جایی برسد.

۸. شرایط نزول امدادهای الهی از منظر قرآن

حاصل مطالب پیش آن شد که امدادهای غیبی پس از آن است که ما تلاش خود را انجام دهیم و اگرچه خداوند هر کس را بخواهد یاری می‌کند، ولی این یاری، شرایطی دارد. فهم این مطلب در شناخت جایگاه امدادهای غیبی در امر ظهور و موفقیت حضرت مهدی ﷺ در تشکیل حکومت عدل جهانی بسیار کارساز خواهد بود. برخی از شرایط نصرت و امدادهای الهی در قرآن عبارت است از:

-
۱. ﴿...يُمَدِّكُمْ رِبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ أَلْفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزَلِينَ﴾؛ آل عمران، آیه ۱۲۴.
 ۲. انفال، آیه ۱۰.

۱-۸. صبر و استقامت

انسان صابر، محبوب خدا و در پناه او و مشمول امدادهای الهی است.

قرآن می‌فرماید: «وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ».^۱ و در جایی دیگر درباره اولیای الهی ذکر می‌کند: «فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِبُوا وَ أُوذُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا»^۲; بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند، شکیبایی کردند تا یاری ما به آنان رسید.

و نیز فرمود:

﴿إِنْ تَصْرِفُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا
يُمْدِذُكُمْ رَبِّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ
مُسَوِّمِينَ﴾^۳; البته اگر صبر و مقاومت کنید و پرهیزگاری نمایید، (گرچه) دشمنان با خشم و خروش بر شما بتازند، پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته مخصوص مدد می‌رسانند.

۲-۸. یاری دین خدا

قرآن کریم، یکی از شرایط مهم ارسال امدادهای الهی را نصرت از دین و به تبع آن، ولی خدا معرفی می‌کند و می‌فرماید: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرُكُمْ

۱. بقره، آیه ۲۴۹.

۲. انعام، آیه ۳۴.

۳.آل عمران، آیه ۱۲۵.

وَ يُبَيِّنُ أَقْدَامَكُمْ^۱; اگر خدا را یاری کنید، یاری تان می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.

۳-۸. جهاد و مبارزه با دشمن

جبهه‌های جنگ نیز در حقیقت، بستر نزول امدادهای الهی است، زیرا قرآن کریم می‌فرماید:

﴿قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيهِمْ وَ يُخْزِهِمْ وَ يَنْصُرُكُمْ عَلَيْهِمْ^۲; با آنان بجنگید، تا خدا آنان را به دست شما عذاب و رسواشان کند و شما را برایشان پیروزی بخشد.

۴-۸. تقوای الهی

یکی از آثار مبارک تقوای الهی و پرهیزگاری که قرآن جایگاه بزرگی برای آن قائل شده است - علاوه بر آثار دیگری که بر آن مترتب است، جلب رحمت و کمک ویژه پروردگار عالم است. خداوند رئوف در آیه ۱۲۵ سوره آل عمران می‌فرماید:

﴿بَلِّي إِنْ تَصْرِفُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدُكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَ—وَمِينَ^۳; البته اگر صبر و مقاومت کنید و

۱. محمد، آیه ۷.

۲. توبه، آیه ۱۴.

پرهیزگاری نمایید، (گرچه) دشمنان با خشم و
خروش بر شما بتازند، پروردگارتان شما را با پنج
هزار فرشته مخصوص مدد می‌رساند.

۵-۸. مجاهدت و تلاش

در فرهنگ قرآنی، تلاش انسان، نشانه صداقت اوست و همین صداقت است که باعث نزول امدادهای غیبی می‌شود، کما این‌که قرآن می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبْلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾^۱ و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راههای خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است.

۶-۸. ایمان به پروردگار

قرآن کریم در سوره «کهف» و در احوالات اصحاب کهف، ایمان مثال‌زدنی ایشان را عاملی برای عنایت ویژه خدا به آن‌ها معرفی می‌کند و می‌فرماید:

﴿إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَرَذَنَاهُمْ هُدًى وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ﴾^۲ آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و بر هدایتشان افزودیم و دل‌هایشان را استوار گردانیدیم.

۱. عنکبوت، آیه ۶۹

۲. کهف، آیات ۱۳-۱۴.

۷-۸. عدم ارتباط با کافران

نکته بسیار جالبی که قرآن مکرراً تعلیم می‌دهد آن است که می‌فرماید با کفار رابطه ولایت نداشته باشید، تا امدادهای غیبی خدا به سوی شما سرازیر شود: «لَا تَتَّخِذُوا... يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِّنْ عِنْدِهِ»^۱، زیرا در غیر این صورت، هرکس به سراغ کفار برود، خداوند او را به حال خود رها و از امدادهای غیبی خود محروم می‌سازد: «وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ»^۲.

۸-۸. انجام تکلیف

مطابق فرهنگ قرآنی، ما باید به وظیفه خود عمل کنیم و آنگاه در انتظار امدادهای او باشیم. در آیه ۹۳ سوره «هود» و در احوال حضرت شعیب علیہ السلام به این امر این‌گونه اشاره شده است:

﴿وَ يَا قَوْمَ اَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانِتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَ مَنْ هُوَ كاذِبٌ وَ ارْتَقَبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ﴾؛ و (شعیب گفت) ای قوم من! (پس) هرچه در توان دارید انجام دهید، من (نیز)

۱. مائدہ، آیه ۵۲.

۲.آل عمران، آیه ۲۸.

کار خودم را خواهم کرد. به زودی خواهید دانست
(که) عذاب خوارکننده به سراغ چه کسی خواهد آمد
و چه کسی دروغ‌گوست. شما در انتظار باشید، من
(نیز) همراه شما منتظرم.

۹-۸. استغفار و توبه

در پیشگاه قرآن، استغفار، رزق و امدادهای غیبی را در پی دارد. در این
کتاب آسمانی آمده است:

﴿إِسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَارًا يُرِسِّلُ السَّمَاءَ
عَلَيْكُمْ مَدْرَارًا وَ يُمْدِذُكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَيْنَنَ وَ يَجْعَلُ لَكُمْ
جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾؛ استغفار کنید، زیرا
خداوند غفار و بخشنده است، تا آسمان را به باران
فراوان بر شما بگمارد و شما را به مالها و فرزندان
کمک کند و برایتان باغها و جویبارها پدید آرد.

موارد دیگر و نیز بررسی بیشتر آنها را در بخش شرایط انسانی ظهور، ذکر
خواهیم کرد.

۹. حقیقت انتظار، یعنی تلاش برای آمادگی و زمینه‌سازی

یکی دیگر از موضوعاتی که در بیان بهتر بحث شرایط ظهور به ما کمک
می‌کند، توجه به مفهوم و لوازم انتظار ظهور است، زیرا در روایات

معصومان علیهم السلام توجه بسیاری به این موضوع شده است. ابو بصیر از امام صادق ع روایت کرده که روزی آن حضرت فرمود: «آیا شما را از چیزی آگاه نکنم که خداوند بدون آن، هیچ عملی را از بندگان نمی‌پذیرد؟» عرض کرد: بفرمایید! فرمود:

گواهی دادن بر اینکه هیچ معبدی جز خدا نیست و
اینکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده [و فرستاده] اوست، و اقرار به هر آنچه
خداوند امر فرموده و ولایت برای ما و بیزاری از دشمنان ما
- امامان - و تسلیم شدن به آنان و پرهیزگاری و کوشش و
خویشنداری و انتظار حضرت قائم.^۱

همچنین از امام رضا ع روایت شده است:

چقدر صبر پیشه گرفتن و انتظار فرج کشیدن نیکو
است! آیا نشنیده‌اید که عبد صالح فرمود: «انتظرُوا إِنِّي
مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ»^۲; پس منظر باشد، من هم با
شما از منظرانم.^۳

و نیز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ انتِظَارُ الْفَرَجِ»^۴; انتظار فرج و
گشایش، برترین عبادت است.

۱. نعمانی، *الغيبة*، ص ۲۰۰.

۲. اعراف، آیه ۷۱.

۳. عروسي حويزي، *تفسير نور الثقلين*، ج ۲، ص ۴۴.

۴. نهج الفصاحه، ح ۴۰۹.

اصولاً هر کسی در زندگی مادی انتظار و امیدی دارد و البته زندگی به این امیدهاست. اگر چراغ امید خاموش شود، دیگر کسی دنبال کاری نمی‌رود؛ منتهای باید دید که چه انتظاری ارزش دارد؟ همه افراد امید دارند، اما روشن فکر، کسی است که در انتظار صلح جهانی باشد و برای همه مردم فکر کند. اگر خواستید ببینید فردی چقدر ارزش دارد، ببینید آرزویش چیست. آرزوی یک بچه، آدامس است؛ اما هرچه روح بزرگ‌تر شود، امیدهای او هم بزرگ‌تر می‌شود. بزرگ‌ترین افراد کسانی هستند که در انتظار حضرت مهدی ﷺ باشند، چون انتظار حضرت یعنی امید جهانی، خیر جهانی، عدالت جهانی، امنیت جهانی. هرچه آرزو کوچک‌تر باشد، شخص کوچک‌تر است و هرچه آرزو بزرگ‌تر باشد، شخص بزرگ‌تر است. انتظار حضرت مهدی ﷺ، یعنی انتظار همه خوبی‌ها و محظوظه بدی‌ها.

در عین حال باید دانست که انتظار، عمل است، زیرا در روایات ما آمده است: «أَفْضُلُ الْأَعْمَالِ» و نمی‌گوید «أَفْضُلُ الْحَالَاتِ»؛ پس انتظار عمل است، نه حالت و سکوت و سکون. انسانی که متظر مسافرش است و کشاورزی که متظر میوه است، آسوده‌خاطر نمی‌نشینند. ما که متظر آقا هستیم، باید رفたرمان با رفتار آقا ساختی داشته باشد؛ پس متظر یعنی انسان تلاش گر.

انتظار یعنی اعتراض به وضع موجود و امید به باز شدن درهای رحمت و معرفت. انتظار یعنی من متظر جهانی پر از عدل شود. در «دعای افتتاح» که منسوب به امام عصر ﷺ است، می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْكُوا إِلَيْكَ»؛ یعنی

شایط ظهور از دیدگاه قرآن کریم

خدايا! من شکایت می‌کنم و نظام‌های طاغوتی موجود در روی زمین را قبول ندارم. اگر کسی بپرسد که چه حکومتی را قبول دارید؟ پاسخ آن در ادامه دعا آمده است: «إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ».

دعای ندبه یعنی دعای اعتراض بر طاغوت‌های جهان و دعای انتظار و امید به آمدن حکومت حق. اگر جمع می‌شویم و دعای ندبه می‌خوانیم و در فکر حکومت حق هستیم، باید در فکر تلاش برای زمینه‌سازی آن حکومت هم باشیم.

در زمانی که استاد شهید مطهری در تهران بودند و برای تدریس از آن‌جا به قم تشریف می‌آوردند، مدتی در قم میزبان ایشان بودم. در همان زمان و در مسیر راه، سوالات زیادی را از ایشان می‌پرسیدم که یکی از آن‌ها درباره انتظار ظهور بود. ایشان درباره حقیقت انتظار، مثلى را از مرحوم حجۃ‌الاسلام راشد که قبلًا در رادیو سخنرانی می‌کرد و مرد دانشمندی بود، نقل کردند که می‌گفت: وقتی شب می‌شود، همهٔ ما در انتظار خورشید هستیم، اما معنای منتظر خورشید بودن این نیست که در تاریکی بنشینیم. هم منتظر خورشید هستیم، هم وظیفهٔ ما این است که بلند شویم و کاری انجام دهیم و برقی را روشن کنیم.

کسی که منتظر مصلح است، باید صالح باشد. انسان‌های بی‌تفاوت، بی‌غیرت، بی‌پول و بی‌قدرت که نمی‌توانند بگویند: یا حجۃ‌بن‌الحسن، تشریف بیاور! کسانی که در انقلاب و نظام اسلامی نقشی نداشته و ندارند، اول از خدا بخواهند که به آن‌ها نقشی بدهد و بعد دعای ندبه بخوانند. وقتی می‌گوییم: مهدی بیا، حضرت بباید چه کند؟ لابد می‌گویید او خواهد

آمد تا از حق مردم دفاع کند. خیلی خوب، وقتی هشت سال جنگ تحمیلی بود، شما چقدر از حق دفاع کردید؟ در این حوض چقدر شنا کردی که حالا می‌گویی: اقیانوس اطلس! کسانی که در انقلاب هیچ نقشی نداشتند، اصلًا رویشان نمی‌شود که بگویند: مهدی بیا!

در بسیاری از آیات مهدوی که مربوط به منتظران ظهور است نیز همین آمادگی دیده می‌شود؛ برای مثال قرآن می‌فرماید:

﴿وَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّدِيقُونَ وَ الشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرٌ هُمْ وَ نُورٌ لَهُمْ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾؛ و کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده‌اند، آنان همان کسانی هستند که سرتاپا صداقتند و نزد پروردگارشان گواهانند، پاداش و نورشان را دارند و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنان اصحاب دوزخند.

حارث بن مغیره از حضرت باقر علیهم السلام روایت کرده است:

کسانی که از شما عارف به این امر (امامت اهل بیت) هستند و منتظرند و آرزوی پاداش نیک دارند، به خدا قسم مانند آن کسی است که به همراه

قائم آل محمد ﷺ جهاد کرده است. سپس فرمود: به خدا
قسم، مانند کسی است که با پیامبر اکرم ﷺ با
شمشیرش جهاد کرده است. آنگاه برای مرتبه سوم
فرمود: به خدا قسم، مانند کسی است که در خیمه
پیامبر اکرم ﷺ به درجه شهادت رسیده است و درباره
شما آیه‌ای در قرآن هست. عرض کردم: کدام آیه؟
ایشان فرمود آیه: ﴿وَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ أُولَئِكَ
هُمُ الصَّدِيقُونَ وَ الشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرٌ هُمْ وَ
نُورُهُمْ﴾^۱; و کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان
آورده‌اند، آنان همان کسانی هستند که سرتاپا صداقتند
و نزد پروردگارشان گواهانند، پاداش و نورشان را
دارند؛ آنگاه فرمود: به خدا قسم نزد خداوند، صادقین
و شهدا محسوب می‌شوید.^۲

مالحظه می‌کنید که در آیه‌ای که در شأن متظران ظهور است، وصف
«صدیق» برایشان آورده شده و «صدیق» به کسی گفته می‌شود که سرتاپا
راستی و درستی است و دل و زبان و عمل او یکی است و صداقت جزء
خلق و خوی او شده است. معلوم است که کسب این خصلت عالی، خود
نشانه آمادگی برای ظهور امام حق خواهد بود.

۱. حديث، آیه ۱۹.

۲. ملامحسن فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۱۳۶.

۱۰. وظیفه ما در مسئله ظهور

در بحث ظهور، دانستن این‌که امام زمان^ع در چه زمانی ظهور می‌کند و یا این‌که اکنون در کجا زندگی می‌کند، ارزش چندانی ندارد، آنچه ارزشمند است آن است که بدانیم وظیفه ما در حال حاضر چیست و امام از ما چه انتظاری دارد و سپس به آن جامعه عمل بپوشیم، زیرا انجام وظیفه بهترین راه برای زمینه‌سازی برای ظهور حضرت ولی عصر^ع است؛ لذا شناخت وظیفه، لازم‌ترین مطلب در زمان غیبت امام است که ما به برخی از آن‌ها به صورت فهرست‌وار اشاره می‌کنیم و توضیح آن بعداً خواهد آمد:

- شناخت امام زمان^ع و اهداف او کما این‌که در دعا آمده است: «اللهم عَرْفْنِي حُجَّتَكَ، إِنِّي لَمْ تُعْرِفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَّلْتُ عَنْ دِينِي».^۱
- معرفی و شناساندن امام زمان^ع و انقلاب جهانی او به دیگران و ایجاد زمینه‌های لازم برای ظهور.
- تلاش در جهت جلب رضایت امام زمان^ع با انجام اعمال صالح و ارتباط معنوی.
- انتظار فرج و دعا برای ظهور حضرت.
- صدقه دادن و دعا کردن برای سلامتی امام.
- خواندن نماز و دعا‌های فرج، ندب، عهد و سلام کامل.
- پرداخت حقوق مالی (خمس) متعلق به امام زمان^ع.

۱. مفاتیح الجنان، تعقیبات نماز.

- عمل به تکلیف و واجبات و دوری از گناه و محرمات.
مسلمان تاجری که کلاهبرداری می‌کند، منتظر ظهور امام زمان ع نیست.
کسانی که کمکاری، کم فروشی، بدکاری و خیانت می‌کنند، منتظر امام
زمان ع نیستند.

۱۱. لزوم توجه به شرایط ظهور، نه علائم ظهور

ملاحظه می‌کنید که اگر عمل به وظیفه در عصر غیبت، محور فعالیت‌های
ما باشد، یکی از وظایف ما زمینه‌سازی برای ظهور است و در این صورت
آنچه باید مورد توجه باشد، توجه به شرایط ظهور است، نه علائم و
نشانه‌های ظهور؛ موضوعی که متأسفانه به خاطر بسیاری از توجهی
شیعیان آن حضرت، مورد غفلت قرار گرفته و به جای پرداختن به
شناسایی و فراهم کردن شرایط ظهور، مسائل علائم ظهور مورد اهتمام
آنها قرار می‌گیرد.

عدم ظهور حاکی از آن است که آمادگی جهانی هنوز مشاهده نمی‌شود؛
لذا باید تلاش کرد و زمینه‌های لازم را برای آن فراهم ساخت. حضرت
ولی عصر ع وقتی ظهور می‌کند که مردم به معارف و اندیشه‌های قرآن و
اسلام آگاه و آمادگی حکومت ایشان را داشته باشند.

کسانی که منتظر مصلح هستند، باید خودشان هم آدم صالحی باشند.
نمی‌شود آدم منتظر مصلح باشد، ولی خودش صالح نباشد. کسی که منتظر
مصلح است، باید خودش هم صالح باشد. نمی‌شود صبر کنیم امام زمان
بیاید و درست کند. ما منتظر خورشید هستیم، اما شب هم خودمان چراغ
روشن می‌کنیم. هم منتظر خورشید هستیم و هم شب، خودمان چراغ
روشن می‌کنیم. هم منتظر امام زمان ع هستیم و هم باید تلاش کنیم.

بخش دوم: شرایط ظهور امام زمان

مقدمه

با توجه به مطالبی که پیشتر بیان شد، ظهور امام زمان ع نیازمند وقوع شرایطی است که برخی از آنها از جانب خدا و برخی دیگر نیازمند فراهم شدن آن به دست انسان هاست. این شرایط در آیات قرآن و به تبع آن در احادیث بیان شده است. آنچه در ادامه می‌آید، شمارش و بررسی شرایط الهی و انسانی ظهور است.

الف) شرایط الهی ظهور

گفته شد که برای ظهور امام عصر ع شرایطی باید حاصل شود که تحقق برخی از آنها از جانب خدا و برخی دیگر از جانب انسان هاست. از شرایط انسانی ظهور در آینده سخن خواهیم گفت، اما برخی از مهم‌ترین شرایط الهی ظهور عبارتند از:

۱. ارادهٔ پروردگار

از آموزه‌های اصیل قرآنی آن است که تمام حوادث جهان به اذن و اراده خداوند به وجود می‌آید و اگر او نخواهد، هیچ چیزی حادث نخواهد شد. این همان چیزی است که از آن به توحید افعالی یاد می‌شود. در حقیقت خواست انسان، نه مستقل از خواست خداوند است و نه برتر از آن، بلکه آنچه انسان می‌خواهد، اگر مورد خواست خداوند نیز قرار گیرد، محقق

می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «وَ مَا تَشَاءُنِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»^۱; و شما نمی‌خواهید جز آنچه خداوند، پروردگار جهانیان بخواهد.

چون خداوند، رب العالمین است و بر همه امور تسلط دارد، پس خواست انسان نیز مشروط به خواست اوست؛ مثل این‌که در ماشین‌های تعلیم رانندگی، دو دستگاه گاز و ترمز وجود دارد؛ یکی زیر پای کارآموز و دیگری زیر پای مربی. در این ماشین، کارآموز می‌تواند از گاز و ترمز سمت خود استفاده کند، ولی به شرط آن‌که مربی هم بخواهد. یا نظیر چک‌های دوامضایی که هریک از دو صاحب امضا می‌تواند امضا کند، اما اثر و پرداخت چک زمانی است که دیگری نیز آن را امضا کرده باشد.

در وقوع ظهور حضرت ولی عصر[ؑ] نیز همین‌طور است و اگر ما از شرایط ظهور صحبت می‌کنیم، بدان معنا نیست که اراده مستقلی داریم و در صورت فراهم شدن شرایط، خداوند مجبور است که ظهور را محقق کند، بلکه به این معناست که خواست مردمی در تعلق اراده خدا به ظهور مؤثر است و البته اصل تحقق ظهور به اذن و مشیت پروردگار خواهد بود. در میان آیات مهدوی بیان‌کننده شرایط الهی ظهور امام زمان[ؑ] نیز مواردی یافت می‌شود که به این مطلب اشاره دارد. یکی از این آیات، آیه نهم از سوره مبارکه «صف» است؛ آن‌جا که می‌فرماید:

۱. تکویر، آیه ۲۹.

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ
لِيُنَظِّهِرَ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾؛ او
کسی است که پیامبر را همراه با هدایت و دین حق
(به سوی مردم) فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب
سازد، گرچه مشرکان آن را خوش نداشته باشند.

در روایات متواتر می‌خوانیم که پیروزی اسلام بر دیگر ادیان آسمانی، در
زمان ظهور حضرت مهدی ﷺ تحقق خواهد یافت. حضرت علی علیهم السلام
فرمود:

به خداوندی که جانم در دست اوست، هیچ شهر و
روستایی باقی نمی‌ماند، مگر آن که هر صبح و شام صدای
اذان و شهادتین در آن شنیده خواهد شد.^۱

تاریخ اسلام، تحقق این آیه را به اثبات رسانده است، زیرا با این‌که دشمن
از طریق استهزا و اذیت و شکنجه، محاصره اقتصادی و اجتماعی، تحمیل
جنگ‌ها، توطئه‌های داخلی منافقان، ایجاد تفرقه میان مسلمانان، به راه
انداختن جنگ‌های صلیبی، ترویج فحشا و منكرات، استعمار نظامی و
سیاسی لحظه‌ای کوتاهی نکرده، ولی اسلام روز به روز توسعه پیدا کرده
است. نکته‌ای که در این آیه وجود دارد، همان اصیل بودن اراده الهی است
که با عبارت: «هُوَ الَّذِي»؛ او کسی است که... بر این‌که اصل تحقق
حاکمیت دین حق، متوقف بر اراده حضرت حق است، تصریح دارد.

۱. سیدهاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۶۷.

۲. وجود رهبری معصوم، توانا و آگاه برای جهان

یکی دیگر از شرایط ظهور و حاکمیت حق بر جهان که تحقق آن تنها به دست خداست، وجود رهبری است که توانایی اداره جهان را بر اساس دستورهای الهی و دین حق داشته باشد. شایان ذکر است، وجود رهبر برای مردم ضروری است، خواه نیکوکار باشد یا بدکار و جامعه بدون امام، یعنی هرج و مرج. حضرت علی می‌فرماید: «لابد للناس من امیر بز کان او فاجر»^۱ برای پیاده شدن دستورات الهی و حفظ احکام، قدرت و حکومت لازم است و قدرت و حکومت به امام و رهبری لائق نیاز دارد.

اساساً دین و مكتب یا باید هماهنگ با خواسته‌های درونی و حوادث خارجی و به اصطلاح، رشدآور، رشددهنده و به روز باشد و یا باید فقط قوانینی مقطعي و خشک باشد که با مرور زمان به دست فراموشی سپرده شده و به اصطلاح ایستا باشد. اگر در کنار مكتب، امامی با شرایط ویژه بود، مكتب از نوع اول، و گرنه از نوع دوم خواهد بود؛ به همین دلیل امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

انّ الامامة زمام الدين و نظام المسلمين و صلاح الدنيا و
عز المؤمنين؛^۲ امامت و رهبری حق، زمام دین است و مایه
نظام بخشیدن به مسلمانان و صلاح امور دنیوی و عزّ
مؤمنین است.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

۲. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۶.

حقیقتاً چیزی که بتواند همه احتیاجات فردی، اجتماعی، مادی و معنوی کاروان بشریت را تأمین کند، تنها امامت است؛ درست همان‌گونه که شنا در استخر نیاز به مربّی و ناجی دارد و گذر از دریا نیاز به کشتی و ناخدا.

خلاصه آن‌که در هر حرکت مادی یا معنوی، چند چیز مطرح است: راه و مسیر؛ وسیله و ابزار؛ هدف و مقصد و نهایتاً رهبر و راهنمای. در این میان، نقش راهنمای از همه مهم‌تر است، زیرا اگر او نباشد هم راه را گم می‌کنیم، هم هدف را و هم وسیله‌ها بی‌جهت به کار می‌افتد. امام راهنمای جامعه در حرکت به سوی خداست. لازمه چنین امری آن است که این امام و رهبر، اولاً، عالم و آگاه به همه قوانین و خواسته‌های پروردگار و سنت‌های الهی در هستی باشد؛ ثانیاً، عادل بوده و تحت تأثیر هوایا و امیال نفسانی خویش قرار نگیرد تا بتواند در پیاده کردن احکام الهی موفق باشد.

حال، سؤال این‌جاست که چگونه می‌توان چنین شخصی را شناسایی و به حاکمیت دولت حق منصوب کرد؟

بهترین شیوه تعیین رهبر و مقام مسئول در جوامع امروز انتخابات است، ولی شکنی نیست که انتخابات راه حل است، اما همه‌جا راه حق نیست. هیچ برahan و دلیل علمی و عقلی، لیاقت، صلاحیت و حقانیت شخص انتخاب شده را تأیید نمی‌کند، گرچه در مقام عمل، رأی اکثریت مورد نظر قرار می‌گیرد و بهترین راه حل است؛ علاوه بر آن‌که، این توجه به رأی

اکثریت، تنها در مسائل اجتماعی است و در مسائل اعتقادی، رأی اکثریت هیچ ارزشی ندارد و گرنه باید پیامبران دست از دعوت خود برداشته و تابع رأی اکثریت که کافر یا مشرک بودند، می‌شدند. چنان‌که در سوره «انعام» می‌خوانیم:

﴿وَإِنْ تُطِعُ الْكُفَّارَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضْلُلُوكُ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَبَعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ﴾؛ ای پیامبر! اگر از اکثر کسانی که روی زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می‌کنند، زیرا آن‌ها تنها از گمان و حدس پیروی می‌کنند.

بنابراین، در مسئله بسیار حساس و اساسی امامت، که امری اعتقادی است، رأی و انتخاب مردم نقشی ندارد و تعیین آن به عهده خداوند است. البته بیعت مردم با امام، زمینه را برای اعمال حاکمیت امام فراهم می‌کند، نه آن‌که امام با رأی مردم امام می‌شود و با اعراض مردم از امامت ساقط می‌شود.

راستی که انسان محدود با نداشتن علم غیب و اطلاع از آینده و باطن افراد، چگونه می‌تواند نظر صد در صد صحیحی درباره شخصی داشته

باشد؟! مگر انگیزه‌ها، حالات و عمل کرد انسان‌ها با توجه به شرایط و موقعیت‌های مختلف تغییر نمی‌کند؟ چگونه می‌توان با یک سری شناخت‌های سطحی، سرنوشت رهبری امت را با انتخابات معین کرد؟ آری، انتخابات می‌تواند راه حل باشد، اما همه‌جا راه حق نیست.

بنابراین، وقتی مشخص شد که مسئله امامت از اساسی‌ترین مسائل اعتقادی و عامل هدایت و رشد جامعه است و جامعه نیاز به رهبر دارد، زیرا سقوط و یا رشد جامعه به رهبری آن بستگی دارد، باید بگوییم که تعیین امام تنها از طرف خداست، زیرا امام باید دارای شرایط و ویژگی‌هایی باشد که جز خدا کسی واقف به آن‌ها نیست؛ از جمله آن‌که:

- امام باید تمام قوانین حاکم بر انسان و هستی را بداند.
- امام باید از نتیجه حتمی راهی که انتخاب می‌کند، آگاه باشد.
- امام باید در رهبری خود منافع خود را در نظر نگیرد و عوامل درونی و بیرونی محرک او نباشد.
- امام باید از عالی‌ترین صفات برجسته انسانی در حد اعلا برخوردار باشد و ناگفته پیداست که این شرایط در افراد معمولی یافت نمی‌شود و مردم نیز از وجود این شرایط در افراد بی‌خبرند.

بنابراین، راه حق در شیوه تعیین امام، همان راه تعیین پیامبر است، زیرا ما امامت را همچون نبوت و امام را همچون پیامبر و دلیل نیاز به امام را

همانند دلیل نیاز به پیامبر می‌دانیم و کار امام نیز شبیه کار پیامبر، هدایت و رشد مردم و نشان دادن راه سعادت است؛ بنابراین، همان دلایلی که در بحث نبوت آوردیم، در اینجا نیز می‌توانیم مورد استفاده قرار دهیم، اگر باور کردیم که امامت، مقامی انتصابی است نه انتخابی؛ بنابراین، در مقابل انتصاب الهی مردم اختیاری ندارند.

از سویی، به دلیل این‌که همه مردم در همه زمان‌ها به چنین کسی نیازمندند و چه بسا که سایر شرایط مردمی ظهور فراهم شود، باید فردی در هر زمانی با خصوصیات ذکرشده وجود داشته باشد و آن شخص در زمان ما وجود مبارک حضرت حجت‌بن‌حسن[ؑ] است که خود او نیز در انتظار فرج و تشکیل حکومت عدل جهانی به سر می‌برد. بر اساس دلایل قرآنی، روایی و تاریخی، یازده امام به دنیا آمده و شهید شده‌اند، ولی امام دوازدهم پس از تولد به خواست خداوند از دیدگان غایب گشته‌اند تا هر زمان که خدا بخواهد و مصلحت بداند، ظهور و دنیا را پر از عدل و داد کنند.

۳. داشتن برنامه و قوانین جامع برای جهان

یکی دیگر از شرایط تشکیل حکومت عدل جهانی که در حقیقت، زمینه‌ساز رشد و تعالی انسان‌هاست، وجود برنامه و قوانینی جامع و کامل است که تضمین‌کننده سعادت دنیا و آخرت باشد؛ چیزی که در آیات قرآنی مربوط به حکومت امام زمان[ؑ] از آن تعبیر به «دین الحق»^۱ شده است.

۱. توبه، آیه ۳۳.

حال سخن این جاست که این برنامه جامعه را چه کسی یا کسانی می‌توانند تدوین کنند؟ آیا راهکارهای علم و عقل کافی است؟

حقیقت این است که علم و عقل آدمی به دلایل زیر، ما را از پیامبران و آموزه‌های وحیانی ایشان بی‌نیاز نمی‌کند:

۳-۱. محدودیت علم انسان

هر روز شاهدیم که به تعداد دانشکده‌های تخصصی اضافه می‌شود و اختراعات و اکتشافات جدیدی نصیب انسان می‌گردد، اما واگذار کردن انسان به علم و عقل خود در حقیقت، در سنگلاخ قرار دادن و گیج کردن اوست، زیرا فهم، علم و فکر مردم متفاوت است؛ حتی بیشتر درگیری‌ها و اختلافات خطرناک از افراد عاقل و آگاه سرچشمه می‌گیرد! علم و عقلی که مایه ایجاد این همه درگیری است، چگونه می‌تواند برطرف کننده نزاع‌ها و تفاوت‌ها باشد؟ هر کسی چیزی را خیر می‌داند که چه بسا دیگری آن را نمی‌فهمد.

۳-۲. فراوانی موانع شناخت

یکی از بحث‌هایی که در موضوع شناخت مطرح می‌شود، موانع شناخت است. هنگامی انسان، حق را درک می‌کند که مانعی در مسیر شناخت او نباشد. انسان با داشتن عقل، فکر و قدرت تحصیل، گاهی چنان در مسیر طوفان غراییز قرار می‌گیرد که قدرت شناخت واقعیت را از دست می‌دهد.

متأسفانه آن قدر عینک‌های رنگارنگ جلوی چشمان ما قرار می‌دهند که درست تشخیص نمی‌دهیم! چه بسا چیزهایی را حق می‌بینیم که باطل هستند و چیزهایی را باطل تشخیص می‌بینیم که حق هستند؛ برخی را دوست می‌پنداریم که دشمنند و برخی را دشمن خیال می‌کنیم که دوست هستند. کوتاه سخن آن‌که، چون انسان محکوم غراییز است و واقعیت‌ها را همه‌جا چنان که هست، نمی‌بیند و گاهی برخلاف شناخت صحیح عمل می‌کند، حق قانون‌گذاری ندارد. قرآن کریم می‌فرماید: «ان الحكم الا

للہ۱.

۳-۳. تأخیر در فهم

گاهی به مرور زمان و با پیشرفت علم، دست انسان به واقعیاتی می‌رسد، لکن گناه صدها سال تأخیر دسترسی را به عهدۀ چه کسی بگذاریم؟ ده‌ها دستور در اسلام داریم که مرور زمان و پیشرفت علم از روی اسرار آن پرده برداشته، ولی پیروان مکتب انبیا از همان روز اول در مسیری قرار گرفتند که دانشمندان متکی به علم و تجربه، خود پس از قرن‌ها به آن رسیدند.

۱. انعام، آیه ۵۷

۳-۴. درک معنویات

انسان با علم، عقل، مشورت و بررسی‌های خود تنها در مسائل محسوس و مادی می‌تواند گام بردارد و راهی را انتخاب کند، اما در شناخت سعادت ابدی و رشد معنوی و تربیت روحی که دست انسان از آن‌ها کوتاه است، جز طریق وحی و راه انبیا راهی ندارد. کسانی که خود را از مکتب وحی و راه انبیا بی‌نیاز می‌دانند، برای زندگی خود قوانینی از این قبیل تدوین می‌کنند:

۱. قوانین استبداد فردی که از اراده یک فرد خودکامه سرچشمه می‌گیرد و ضعف، نارسایی، تحمل، خفقان، تنگ‌نظری و... به همراه دارد.

۲. قوانین استبداد طبقاتی که تنها یک طبقه آن را وضع می‌کنند، و ناگفته پیداست که این سری قوانین تنها مصلحت یک طبقه و قشر خاص را در نظر می‌گیرد و تحت تأثیر همان طبقه حاکم است.

۳. قوانین ملی که برخاسته از آرای ملت است؛ خواه این قوانین با حقیقت و مصلحت توأم باشد یا نباشد. دنیای امروز این نوع سوم را مترقی‌ترین قوانین می‌دانند، در حالی که هیچ‌یک از قوانین بشری جامع و کامل نیست و به همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان اشراف ندارد، زیرا افرادی که به اتکای علم و عقل خود برای ما قانون وضع کرده‌اند، چگونه تمام ابعاد انسان را شناخته و نیازش را دانسته‌اند؟ آیا به راستی، خیرخواه بشر بوده‌اند؟ چگونه مطمئن باشیم خطأ نکرده‌اند؟ شاید منافع فرد یا گروه

خاصی را در نظر گرفته باشند و محیط و نظام خانوادگی یا قبیله‌ای یا اقتصادی، مسیر شناخت واقعی آنان را عوض کرده و فشارها و محیط بر قانون‌گذاری آن‌ها اثر گذاشته باشد. از کجا معلوم که تحت تأثیر غرایز شیطانی و طاغوت‌ها قرار نگرفته‌اند؟ از کجا مطمئن شویم که بازتاب و عکس‌العمل این دستورات دیر یا زود به ضرر فرد یا جامعه متنه‌ی نخواهد شد؟

ویژگی‌های قانون‌گذار

با توجه به مطالبی که بیان شد، نتیجه می‌گیریم که قانون‌گذار زندگی بشر باید شرایط و امتیازات ذیل را داشته باشد:

۱. علم و احاطه کامل به تمام نیازهای ظاهری و باطنی انسان؛
۲. لطف و مرحمت کامل نسبت به انسان؛
۳. عدالت کامل و ترجیح ندادن تمایلات بر مصلحت و حقیقت.

ناگفته پیداست که چنین قانون‌گذاری، کسی جز خدای متعال نیست که پیام‌ها، راهنمایی‌ها و قوانین او به وسیله انبیا به انسان می‌رسد. آری، پیامبران به منزله دستگاه گیرنده‌ای هستند که در پیکره جامعه بشریت کار گذاشته شده‌اند و پیام‌های الهی را می‌گیرند و به مردم می‌رسانند.

از میان همه پیامبران، حضرت محمد ﷺ، خاتم پیامبران و کتاب آسمانی او، یعنی قرآن، آخرین و کامل‌ترین نسخه و برنامه جاودانه بشریت از سوی خداست و در زمان حکومت مهدوی نیز معیار و مبنای حکومت وی خواهد بود.

در خطبهٔ ۱۳۸ نهج البلاعه که گفته شده امیرالمؤمنین علیه السلام در آن به سیره حکومتی حضرت مهدی علیه السلام اشاره فرمودند، آمده است که ایشان: «يَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَلُفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ»؛ رأی مردم را به قرآن برمی‌گرداند، در زمانی که آن‌ها قرآن را به رأی و اندیشه (خود) مبدل کرده باشند:

هنگامی که مردم از قرآن چشم پوشیده و امور را طبق اندیشه نادرست خود انجام دهند، ایشان را از به کار بستن اندیشه‌های نادرست، نهی و به رجوع به قرآن و امداد تا به دستور کتاب خدا رفتار کرده و مخالف آن را دور اندازند.

علاوه بر آن، در زمان ظهور امام زمان علیه السلام به آموزش عمومی قرآن نیز اهمیت فراوانی داده می‌شود؛ کما این‌که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلُّ مُحَمَّدٌ ضَرَبَ فَسَاطِيطَ لِمَنْ يُعَلَّمُ النَّاسَ
الْقُرْآنَ عَلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ؛^۱ هنگامی که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، خیمه‌هایی بزنند و قرآن را به ترتیبی که فرود آمده بر مردم بیاموزد.

امام موعود، همراه همیشگی قرآن است، چراکه رسول اکرم ﷺ در روز غدیر و در ضمن خطبهٔ معروف خود، پس از آن‌که حضرت علی علیه السلام و یازده فرزند معصوم وی را برادر و جانشین خود معرفی کرد، قرآن کریم را همراه همیشگی آنان و از جمله حضرت مهدی علیه السلام معرفی کرده و فرمود:

۱. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۶.

عَلِيٌّ أَخِي وَوَزِيرِي وَوَارِثِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَ
وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي ثُمَّ أَبْنِي الْحَسَنَ ثُمَّ أَبْنِي الْحُسَينَ ثُمَّ
تِسْعَةً مِنْ وُلْدِ الْحُسَينِ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدِ الْقُرْآنِ مَعَهُمْ وَهُمْ
مَعَ الْقُرْآنِ لَا يُفَارِقُونَهُ وَلَا يُفَارِقُهُمْ حَتَّى يَرِدُوا عَلَى حَوْضِي.^۱

همچنین امام باقر علیه السلام فرمود: «علم به قرآن خدا و سنت پیغمبرش، در دل
مهدی ما رشد کند؛ چنانچه بهترین زراعت‌ها به بهترین وجه رشد کند.»^۲

دلیل این همه توجه به قرآن کریم، بدین جهت است که:

- قرآن، کتاب هدایت است: **﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رِيبُ فِيهِ هُدَىٰ
لِلْمُتَّقِينَ﴾.**^۳

- قرآن، کتاب شفا و درمان دردهاست: **﴿وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شَفَاءٌ وَ
رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾.**^۴

- قرآن، کتاب بشارت و انذار است: **﴿لَيَنذِرَ الرَّذِينَ ظَلَمُوا وَبَشِّرَ
الْمُحْسِنِينَ﴾.**^۵

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۷۷.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۶۷.

۳. بقره، آیه ۲.

۴. اسراء، آیه ۸۲.

۵. احقاف، آیه ۱۲.

- قرآن، کتاب دوستی با نیکان است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ».^۱

- قرآن، کتاب سفارش به نیکی هاست: «وَبِالوَالِدِينِ احْسَانًا... وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حَسْنًا».^۲

- قرآن، کتاب تعلق و تفکر است: «إِنَّا أَنْزَلْنَاكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّعِلْكُمْ تَعْقِلُونَ».^۳

- قرآن، کتاب دعوت به عمل است: «لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ».^۴

- قرآن، کتاب جهاد و مبارزه است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الظِّنَنِ يَقْاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ».^۵

در این کتاب، هم رابطه انسان با خدا بیان شده (عبدات)، هم رابطه انسان با خلق خدا (تعلیم، تعلّم، عفو، انفاق، ایثار، تعاون و...) و هم رابطه انسان با طبیعت (تسخیر و عمران و احیا و بهره‌گیری دور از اسراف و تبذیر).

در این کتاب، رابطه انسان با مخالفان و منافقان بیان شده است که: آنان را

۱. بقره، آیه ۱۹۵.

۲. بقره، آیه ۸۳.

۳. یوسف، آیه ۲.

۴. صف، آیه ۲.

۵. صف، آیه ۴.

با حکمت، موعظه و مجادله نیکو، به حق دعوت کنید و با مفسدانی که همچون خار سر راه، مانع قبول حق برای توده محروم هستند و با یاغیان جامعه مبارزه کنید.

قرآن، کتاب سیاست و حکومت است: «إِنَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ». ^۱ کسانی که می‌گویند: دین از سیاست جداست، معنای سخنرانی این است که بخشی از آیات قرآن حذف شود! قرآن، میزان و ملاک و معیار است؛ وسیله سنجش است. به ما فرموده‌اند: معیار تان قرآن باشد. هر حدیثی که شنیدید و یا دیدید، با قرآن بسنجید؛ اگر مطابق قرآن بود، بپذیرید و در غیر این صورت، آن را دور بریزید؛ «فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ». ^۲ نه تنها حدیث، بلکه هر نوع گفتار و نوشتاری را باید با قرآن سنجید. همه ارزش‌ها را باید با قرآن بسنجیم.

سخن آخر آنکه، وجود قوانین جامع که یکی از شرایط ظهور و تشکیل حکومت جهانی است و البته باید از ناحیه خداوند رب‌العالمین در اختیار بشریت قرار داده شود، نیز فراهم است.

۱. نساء، آیه ۱۰۵.

۲. شیخ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۹

۴. امداد الهی و غیبی

یکی دیگر از لوازم و شرایط تحقق ظهور و پیروزی حضرت مهدی^ع، وجود کمک‌های الهی و امدادهای غیبی است، چراکه بدون یاری و عنایت ویژه پروردگار، پیروزی در چنین میدان بزرگ و وسیعی که دشمنان ایشان با انواع ترفندها و جمع‌آوری نیروها، سعی در شکست آن حضرت دارند، ممکن نخواهد بود؛ لذا در بسیاری از روایات مهدوی که درباره وقایع ظهور بیان شده، به وجود این امدادهای الهی تصریح شده است.

ابوحمزه ثمالی از امام باقر^{علیه السلام} روایت کرده است:

هر گاه قائم آل محمد خروج کند، خداوند او را با ملانکه مُسومین، مُردِفین، مُنزَلین و کروّین یاری خواهد فرمود.
جبرئیل پیش روی او، میکائیل در سمت راست او و اسرافیل در سمت چپ او قرار دارند و رعب و هیبت او به فاصله یک ماه راه، پیشاپیش و پشت سر و از راست و چپ او حرکت می‌کند (یعنی شیاع هیئت‌ش تا بعد یک ماه راه را زیر پوشش می‌گیرد) و فرشتگان مقرب در برابر او خواهند بود.^۱

۱. نعمانی، *الغيبة*، ص ۲۳۴.

و فرمود:

ملانکه‌ای که حضرت محمد ﷺ را در روز بدر نصرت
کردند، در زمین هستند و هنوز بالا نرفته‌اند و به آسمان نروند
تا این که صاحب این امر (یعنی ولی عصر) را نصرت کنند
و آن‌ها پنج هزار نفرند.^۱

در احادیث دیگری بیان شده که این امدادها به صورت‌های گوناگونی،
نظیر: الهام خداوند به دل‌های مؤمنان، ایجاد رعب و وحشت در دل‌های
دشمنان، آرامش دل در اوج مصیبت و سختی و... خواهد بود. همه این‌ها
باعث شده که از عبارت «منصور به رعب بودن»، به یکی از ویژگی‌های
قائم آل محمد ﷺ یاد شود، کما این‌که امام پنجم شیعیان فرمود:

الْقَائِمُ مِنَا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ تُظْوَى لَهُ
الْأَرْضُ وَ تَظَهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ؛^۲ قائم ما منصور به رعب است و
مؤيد به نصر؛ زمین برای او در نور دیده شود و گنج‌های خود
را ظاهر سازد.

البته نزول این امدادها، بی‌حکمت و بی‌ضابطه نیست، بلکه بستگی به
فراهم شدن شرایطی دارد که مهم‌ترین آن‌ها قبلًا بیان شد.

۱. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۹۷.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱.

ب) شرایط انسانی ظهور

پیش‌تر گفته شد که به دلیل جریان نظام اسباب و مسیبات در هستی، تحقق ظهور امام زمان ع منوط به احراز شرایطی است که بدون آن شرایط، ظهور امکان‌پذیر نخواهد بود و البته برخی از این شرایط، الهی و بعضی دیگر انسانی هستند. در بخش قبل، به بررسی شرایط الهی ظهور پرداخته و در این بخش به شرایط مردمی ظهور می‌پردازیم. البته باید دانست که شرایط مردمی ظهور، خود به دو بخش تقسیم می‌شود: برخی از این شرایط مربوط به وجود نیروهای تحت فرمان حضرت مهدی ع و برخی دیگر مربوط به عموم مردم است.

فراهم شدن شرایط انسانی ظهور؛ حکمت امتحانات عصر غیبت

با دقت به روایاتی که بیان‌گر امتحانات و ابتلائات عصر غیبت است، به دست می‌آید که یکی از دلایل امتحان‌های سخت عصر غیبت و حتی ظهور، فراهم شدن شرایط انسانی برای تشکیل حکومت مهدوی در هر دو قسمت کارگزاران و عموم مردم است، و از این آزمایش‌ها گریزی نیست. شخصی به نام منصور صیقل می‌گوید: من و حارث بن‌مغیره با جماعتی از اصحاب‌مان (شیعیان) خدمت امام صادق ع نشسته بودیم (و از ظهور دولت حق سخن می‌گفتیم). آن حضرت سخن ما را می‌شنید. سپس فرمود:

شما در چه موضوعی وارد شده‌اید؟ هیهات، هیهات! نه
به خدا قسم، آنچه انتظارش را می‌کشید واقع نشود، تا غربال
شوید. به خدا قسم، آنچه چشم به راهش هستید واقع نشود،
تا امتحان شوید. به خدا قسم، آنچه به سویش چشم می‌کشید
واقع نشود تا جدا شوید.^۱

البته چرایی ضرورت این امتحانات در زمانهٔ غیبت امام عصر^{ره} را می‌توان
از اهدافی که قرآن کریم دربارهٔ آزمایش‌ها طرح کرده است، بهتر دریافت.
این اهداف عبارتند از:

الف) شکوفا شدن استعدادهای نهفته در انسان

﴿وَ لِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَ لِيُمَحَّصَّ مَا فِي
قُلُوبِكُمْ﴾^۲; و (حادثه احمد) برای آن است که آنچه را
در سینه‌های شماست، خدا بیازماید و آنچه را در دل
دارید، پاک و خالص گرداند و خداوند به آنچه در
سینه‌هاست، داناست.

۱. شیخ کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۳۷۰.

۲. آل عمران، آیه ۱۵۴.

ب) جداسازی افراد نیک از بد

﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَيْثَ مِنَ الطَّيْبِ﴾^۱; خداوند بر آن نیست که (شما) مؤمنان را بر آن حالی که اکنون هستید رها کند، مگر این که (با پیش آوردن آزمایش‌های بسی در پی) ناپاک را از پاک جدا کند.

ج) جداسازی صفوف مجاهدان و صابران از غیر آن‌ها

﴿وَ لَنَبْلُونَكُمْ حَتَّىٰ تَقْلِمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَ الصَّابِرِينَ﴾^۲; ما قطعاً شما را می‌آزماییم تا از میان شما مجاهدان و صابران را نشان دهیم و اخبار (و اعمالتان) را آزمایش خواهیم کرد.

د) بیداری از غفلت

﴿وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّنْ بَشَرٍ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَ الصَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ﴾^۳; و همانا به سوی امتهای پیش از تو (نیز پیامبرانی) فرستادیم،

۱. آل عمران، آیه ۱۷۹.

۲. محمد، آیه ۳۱.

۳. انعام، آیه ۴۲.

پس آنان را به تنگ دستی و بیماری گرفتار کردیم؛
بشد که تضرع کنند.

توضیح آنکه، مسلم است در قیام مهدوی تنها شایستگانند که لایق پارکابی
قائم آل محمد ﷺ هستند و حضرت مهدی نیز بر معیار شایسته‌سالاری
نیروهای زیده خود را برمی‌گزیند، زیرا اولاً، پیروزی بر تمام قدرت‌های
دنیا و ثانیاً، حکومت عادلانه بر جهان جز این مسیر امکان ندارد؛ از
همین رو، امام صادق علیه السلام فرمود:

خداآوند، اصحاب موسی را با نهر آبی امتحان کرد،
چنان‌که خدا فرمود: «إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيْكُمْ بِنَهَرٍ»؛
اصحاب قائم هم چنین امتحان خواهند شد».^۱

این امر بدان جهت است که هر مدیری باید نیروهای غیرمفید را از مجموعه طرد کند، زیرا
ناکارآمد جدا کند تا بتواند نیروهای غیرمفید را از مجموعه طرد کند، زیرا
حضور آن‌ها باعث سست شدن سایر نیروها می‌شود؛ به همین دلیل، برای
منصوب کردن افراد به مقام و مرتبه‌ای، گزینش و آزمایش لازم است؛
چنان‌که خداوند نیز برای انتصاب حضرت ابراهیم علیه السلام به امامت، او را
آزمود.

۱. شیخ طوسی، «الغيبة»، ص ۴۷۲.

نقل شده است:

مردی از خراسان به امام صادق علیه السلام پیشنهاد قیام داد و گفت: شما صد هزار نیروی مسلح دارید. امام علیه السلام برای آزمایش میزان فداکاری آن مرد به او فرمود: «به آن تنوری که پر از آتش است، وارد شو!» او ترسید و عذرخواهی کرد. در این هنگام، هارون مکی، یکی از یاران امام علیه السلام وارد شد و سلام کرد. امام علیه السلام به او فرمود: «کفشهایت را کنار بگذار و به تنور آتش وارد شو!» او بدون هیچ پرسشی وارد تنور شد. امام نیز شروع به گفت و گو کرد و از احوال خراسانی‌ها پرسید. پس از مدتی، امام رو به مرد خراسانی کرد و گفت: «برو داخل تنور را نگاه کن!» او نیز چنین کرد و دید هارون مکی صحیح و سالم در تنور نشسته است. امام به او فرمود: «از این شیعیان تنوری که هر چه ما گفتیم تسلیم باشند، چند نفر داریم؟» وی گفت: شیعه تنوری هیچ!^۱ آری، امام زمان علیه السلام کسانی را می‌خواهد که بدون چون و چرا در مقابل دستورهای او مطیع باشند.

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۲۳.

از جهت تربیتی و آمادگی عمومی نیز نزول بلا و گرفتاری بسیار مؤثر است، زیرا گرفتاری باعث توجه به خدا و رهایی از غفلت شده و عامل توبه و دعا به درگاه حق و پذیرش اوامر و اراده خداوند که از مهم‌ترین آن‌ها تشکیل حکومت حق به وسیله ولی خدادست، می‌باشد.

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَ مَا أَرْسَلْنَا فِي قَرِيهٍ مِّنْ نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا
بِالْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضْرَبُونَ﴾؛^۱ و هیچ پیامبری را در هیچ آبادی نفرستادیم، مگر آن‌که مردم آنجا را گرفتار سختی‌ها و بلاها ساختیم، تا شاید به زاری (و توبه) درآیند.

از این آیه شریفه معلوم می‌شود که: اولاً، سختی‌ها و مشکلات، راهی برای بیداری فطرت و توجه به خداوند است: «لَعَلَّهُمْ يَضْرَبُونَ»؛ ثانیاً، ناگواری‌ها همیشه قهر الهی نیست؛ گاهی لطفی است که به شکل بلا جلوه می‌کند: «لَعَلَّهُمْ يَضْرَبُونَ». همان‌گونه که گداختن آهن در کوره آتش، سبب نرم شدن و شکل‌پذیری آن است، حوادث و شداید نیز انسان‌ها را نرم و به حالت تضرع و نیازخواهی و امیدار دارد و باعث می‌شود مردم

۱. اعراف، آیه ۹۴.

صادقانه برای ظهور منجی خود دست به دعا بردارند؛ آن‌گاه مورد رحمت حضرت حق و تجلی آن، که امر ظهور امام رحمت و عدالت است، قرار می‌گیرند، زیرا به فرموده حضرت علی علیه السلام: «اگر مردم هنگام ناگواری‌ها، صادقانه به درگاه خدا ناله کنند، مورد لطف خدا قرار می‌گیرند.»^۱ حاصل آن‌که، شرایط انسانی ظهور را می‌توان از دو جنبه خواص و عوام بررسی کرد:

۱. شرایط مربوط به کارگزاران و کادر امام عصر

قیام حضرت مهدی علیه السلام مانند همه قیام‌های دیگر، نیازمند یاران زبده و کارآمدی است که خواسته‌های حضرت را تا ایجاد حکومت جهانی در ابعاد گوناگون انجام دهند؛ بنابراین، همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفتیم، تصور این‌که حضرت فقط با کرامت و امدادهای غیبی و بدون استفاده از شرایط انسانی، جهان را فتح می‌کند و حکومت دین و عدالت را در سراسر عالم می‌گستراند، خلاف عقل و آیات و روایات است. مثال حضرت ولی عصر علیه السلام، مثال پیامبر عظیم الشأن علیه السلام است که برای پیش‌برد اهداف مقدسش از هردو نیروی عادی و غیبی کمک گرفتند؛ چنان‌که خداوند متعال درباره‌وی فرمود: ﴿هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرٍ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ﴾^۲؛ اوست که با امدادهای خویش و حمایت مؤمنان، تو را یاری کرده است.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۸.

۲. انفال، آیه ۶۲

بر طبق این آیه، نه تنها حمایت مردم، با اراده و خواست الهی کارساز است: «هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ... بِالْمُؤْمِنِينَ»، بلکه مردم، بازو و پشتیبان رهبرند؛ به همین جهت، در احادیث مربوط به وقایع ظهور، به حضور مؤمنان کارآمد، در کنار امدادهای الهی تصریح شده و آمده است: «سه لشکر برای یاری حضرت مهدی ﷺ می‌آیند؛ لشکری از فرشتگان، لشکری از مؤمنان و ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان».^۱

گویا این سخن در امتداد این آموزه قرآنی است که امدادهای الهی، همه‌جانبه، ظاهری و غیبی است:

﴿... فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ﴾^۲; خداوند، اوست یاور او و هم‌چنین جبرئیل و مؤمنان صالح و علاوه بر آنان، همه فرشتگان حامی او هستند.

ذکر این نکته نیز لازم است که بدانیم منظور از کادر حضرت ﷺ، فقط تعداد ۳۱۳ نفر نیست، زیرا بر طبق روایات علاوه بر ۳۱۳ نفر، باید یاران دیگری نیز جمع شوند تا حضرت مهدی ﷺ قیام کند.

۱. نعمانی، الغيبة، ص ۱۹۸.

۲. تحریم، آیه ۴.

ابوبصیر گوید:

شخصی از اهالی کوفه از امام صادق علیه السلام پرسید: چند نفر به همراه قائم خروج می‌کنند؟ ایشان فرمود: «وَمَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي أُولِي قُوَّةٍ وَمَا تَكُونُ أُولُو الْقُوَّةِ أَقْلَمُ مِنْ عَشَرَةِ آلَافٍ»؛ او به همراه اصحابی نیرومند خروج می‌کند و آن‌ها کمتر از ده هزار تن نیستند.^۱

مالحظه می‌کنید، همه افرادی که یاران امام به شمار آمده‌اند، باید دارای توانایی و به تعبیر روایت «أُولی قُوَّةٍ» باشند؛ البته آن‌ها باید که تواناترند، پست‌های مهم‌تری را کسب خواهند کرد؛ ایشان کسانی هستند که به تعبیر قرآن کریم:

﴿يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذْلَهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعْزَهُ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لايِم﴾؛^۲ خداوند... آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند. آنان نسبت به مؤمنان، نرم و فروتن، و در برابر کافران، سرسخت و قاطعند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت هیچ ملامت‌کننده‌ای نمی‌هراسند.

امام صادق علیه السلام نیز در تفسیر این آیه شریفه فرمود:

۱. شیخ صدوq، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۴

۲. مائدہ، آیه ۵۴.

همانا یاران صاحب این امر، برای او نگهداری شده‌اند؛
 اگر همه مردم نیز از بین بروند، خداوند یارانش را به او
 می‌رساند؛ آنان همان کسانی هستند که خداوند فرموده: «اگر
 اینان بدان کافر شوند، پس به تحقیق، ما گروهی را که بدان
 کافر نیستند بر آن موکل کرده‌ایم.»^۱ آنان همان کسانی هستند
 که خداوند درباره آنان فرموده است: «خداوند به زودی،
 گروهی را خواهد آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان نیز
 او را دوست می‌دارند؛ در برابر مؤمنان، فروتن، و در برابر
 کافران باعزم، درشت‌خو و سخت‌گیر هستند».

اصولاً باید دانست که کلید خوش‌بختی جامعه، بر سر کار بودن افراد لایق
 و رفتار عادلانه آن‌ها، و منشأ نابسامانی‌ها، ریاست نااهلان است؛ لذا
 رعایت اصل شایسته‌سالاری حتی در مورد زیرستان لازم بوده و خداوند،
 کسانی را که شایسته‌اند، سرپرستی می‌کند: «هُوَ يَتَولّ الصَّالِحِينَ».^۲
 مهم‌ترین ویژگی‌ها و صفات شایسته خواص و یاران امام زمان ع که
 موجب می‌شود افتخار سرداری و سربازی حضرت نصیب ایشان شود،
 عبارت است از:

۱. انعام، آیه ۸۹

۲. اعراف، آیه ۱۹۶.

۱-۱. ایمان مستحکم

باور به خدا، آن‌گونه که هیچ تردیدی در آن نباشد، یکی از صفات بارز انصارالمهدی و بلکه از اصلی‌ترین آن‌هاست؛ هم‌چنان‌که امام صادق علیه السلام در برخی از اوصاف یاران امام زمان علیه السلام فرمود:

آنان مردانی هستند که دل‌هایشان مانند پاره‌های آهن
است؛ شکی در ایمان به خدا در آن راه نیافته و در طریق
ایمان، از سنگ محکم‌ترند.^۱

گویا ایشان در عمل به آیه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيْتُمْ فِتْنَةً فَاثْبِتُو﴾^۲، ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چون با گروهی (از سپاه دشمن) رو به رو شدید، ثابت‌قدم باشید، نمونه کاملی هستند. البته چنین ایمان ثابتی، قطعاً به دلیل معرفت بالای آن‌ها به حضرت حق و اعمال صالحی است که به تصریح روایات معصومان علیهم السلام، موجب تثییت ایمان در قلب آن‌ها شده است.

۱-۲. عبادت و مناجات

بدون شک، عبودیت خدا یک‌دفعه حاصل نمی‌شود، بلکه این امر نیازمند تمرین و اظهار خضوع در پیشگاه اوست. فلسفه عبادت نیز جز این نیست که انسان با تذکر و تمرین خضوع و خشوع در مقابل پروردگار عالم، یاد

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۰۸.

۲. انفال، آیه ۴۵.

بگيرد تا در همه عرصه‌های زندگی تسليم خواسته خدا باشد و البته هر قدر که امتحان‌های الهی سخت‌تر باشد، اهمیت عبادت بیشتر است؛ لذا يکی دیگر از خصوصیات ياران امام مهدی^ع، عبادت و راز و نیاز آن‌ها با حضرت معبود است؛ چنان‌که در وصفشان آمده است:

مردانی در میان آن‌ها هستند که شب‌ها نمی‌خوابند؛ زمزمه آن‌ها در حال عبادت، هم‌چون زمزمه زنبور عسل است. تمام شب را به عبادت مشغولند و روزها سواره به دشمن حمله می‌کنند. آن‌ها در وقت شب، راهب، و هنگام روز، شیرند.^۱

۳-۱. معرفت به امام

پس از معرفت به خدا، مهم‌ترین سرمایه ياران امام زمان^ع، همانا معرفت عمیق به اوست که آن‌چنان، ایشان را مجدوب و مطیع حضرت کرده است. بی‌شك، کسب چنین معرفتی یک‌دفعه نبوده است، بلکه آن‌ها در زمان غیبت امام زمان^ع و هم‌گام با انتظار ظهورش، موفق به تحصیل آن شده‌اند. این حقیقت در کلام امام سجاد^ع به خوبی روشن است. ایشان فرمود:

إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ يَأْمَمِتِهِ وَالْمُنْتَظَرِينَ لِظُهُورِهِ
أَفْضَلُ مِنْ أَهْلٍ كُلٌّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنْ

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۰۸.

الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمِنْزِلَةِ
الْمُشَاهَدَةِ؛^۱ مردم زمان غیبت او که معتقد به امامت او و
منتظر ظهورش هستند، از مردم هر زمانی برترند، زیرا خداوند
عقل، فهم و معرفتی به آنها عطا کرده که غیبت نزد آنها
چون مشاهده است.

از همین روست که بر خواندن دعای معرفت در عصر غیبت تأکید شده

است:

اللَّهُمَّ عَرِفْنِي نَفْسَكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ
نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِفْنِي رَسُولَكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِي رَسُولَكَ لَمْ
أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِفْنِي حُجَّتَكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِي
حُجَّتَكَ ضَلَّلْتُ عَنْ دِينِي؛^۲ خدایا! خودت را به من بشناسان.

به درستی که اگر خودت را به من بشناسانی، نمی‌توانم
پیغمبرت را بشناسم. خدایا! پیغمبرت را به من بشناسان. به
درستی که اگر پیامبرت را به من بشناسانی، نمی‌توانم امامت
را بشناسم. خدایا! امامت را به من بشناسان. اگر امام را
نشناسم، به درستی که گمراه و از ضالین می‌شوم.

۱. شیخ صدوq، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲. شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

در روایتی نیز می‌خوانیم:

اگر شخصی شبها را نماز بخواند و روزها را روزه
بگیرد و تمام اموالش را در راه خدا بدهد و هر سال به مکه و
حج رود، اما ولی خدا را نشناسد و کارهای خود را به رهبری
او قرار ندهد، هیچ حقی بر خدا ندارد و اهل ایمان نیست.^۱

۴-۱. ولایت‌پذیری و اطاعت از امام

اگر بخواهیم از مهم‌ترین ویژگی‌های عملی که موجب توفیق ما در قرار
گرفتن سپاه امام زمان[ؑ] می‌شود نامی ببریم، به جرئت می‌توان از اطاعت
بی‌چون و چرا و ولایت‌پذیری از وی نام برد؛ هم‌چنان‌که این نکته در
توصیف انصار حضرت مهدی[ؑ] این‌چنین آمده است:

«فرمان‌برداری آن‌ها از امام، بیش از فرمان‌برداری کنیز از آقایش است.»^۲
جابر بن‌یزید جعفی گوید: از جابر بن عبد‌الله انصاری شنیدم که می‌گفت:
وقتی که خدای تعالی بر پیامبر ش این آیه را فرو فرستاد که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَئِكُمْ أَنْعَصُوكُمْ»^۳، گفت: یا
رسول‌الله! خدا و رسولش را شناخته‌ایم؛ پس اولو‌الامری که خداوند،
طاعت آن‌ها را مقرن به طاعت خود کرده، چه کسانی هستند؟ فرمود:

۱. ملام‌حسن فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۲، ص ۱۸.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۰۸.

۳. نساء، آیه ۵۹.

ای جابر! آن‌ها جانشینان من و ائمه مسلمین پس از من هستند. اول ایشان علی بن ابی طالب است و بعد از او حسن، حسین، علی بن الحسین، محمد بن علی - که در تورات به باقر معروف است و تو ای جابر! او را می‌بینی و آن‌گاه که او را دیدار کردی، سلام مرا به او برسان! - و پس از او جعفر بن محمد صادق، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و پس از او همتام و همکنیه من حجّة‌الله در زمینش و بقیة‌الله در بین عبادش، فرزند حسن بن علی، ائمه مسلمین خواهند بود. او کسی است که خدای تعالیٰ مشرق و مغرب زمین را به دست او بگشاید. او کسی است که از شیعیان و اولیاًیش غایب شود؛ غیبتی که بر عقیده به امامت او باقی نماند، مگر کسی که خداوند قلبش را به ایمان امتحان کرده است.^۱

هم‌چنین پیامبر اعظم ﷺ درباره لزوم اطاعت از قائم آل محمد ﷺ فرمود:

الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَشَمَائِلُهُ
شَمَائِلِي وَسُنْنَتُهُ سُنْنَتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَشَرِيعَتِي وَ
يَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ مَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَ
مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَانِي وَمَنْ أَنْكَرَهُ فِي غَيْبَتِهِ فَقَدْ أَنْكَرَنِي وَ
مَنْ كَذَبَهُ فَقَدْ كَذَبَنِي وَمَنْ صَدَقَهُ فَقَدْ صَدَقَنِي إِلَى اللَّهِ أَشْكُوُ

۱. شیخ صدوq، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۳.

الْمُكَذِّبِينَ لِي فِي أَمْرِهِ وَالْجَاحِدِينَ لِقَوْلِي فِي شَانِهِ وَالْمُضِلِّينَ
لِأُمَّتِي عَنْ طَرِيقَتِهِ؛^۱ قائم از فرزندان من است. نامش نام من
و کنیه‌اش کنیه من است؛ شمايل او شمايل من و روش او
روش من است و مردم را برا آين و دينم بدارد و آنها را به
كتاب پروردگارم فراخواند. کسی که او را اطاعت کند، مرا
اطاعت کرده و کسی که او را نافرمانی کند، مرا نافرمانی کرده
است؛ کسی که او در دوران غيبتش انکار کند، مرا انکار
کرده و کسی که او را تکذيب کند مرا تکذيب کرده است و
کسی که او را تصدیق کند، مرا تصدیق کرده است. از کسانی
که گفتار مرا درباره او انکار و تکذيب می‌کنند و از کسانی از
امتم که مردم را از طریقه او گمراه می‌سازند، به خداوند
شکایت می‌برم.

کارگزاران حضرت ﷺ کسانی هستند که این سخنان نورانی را با گوش
جان شنیده و سخت به آن پای‌بند هستند.

۱-۵. جانثاری برای امام و شهادت‌طلبی

یکی از ویژگی‌هایی که برای یاران امام عصر ﷺ در احادیث شمرده شده
آن است که:

۱. همان، ج ۲، ص ۴۱۱.

آنها برای تبرک، بدن خود را به زین اسب امام می‌سایند.

آنها در جنگ‌ها، امام را در میان گرفته و با جان خود از
وی دفاع می‌کنند و هر کاری داشته باشد، برایش انجام
می‌دهند... آنها ادعای شهادت دارند و تمبا می‌کنند که در راه
خداوند کشته شوند.^۱

بدین‌سان، معلوم می‌شود که ایشان به ترازی رسیده‌اند که
از هیچ چیز، حتی بذل و فدا کردن جان برای مولای معصوم
خویش دریغ نمی‌ورزند و شهادت‌طلبانه در قیام جهانی امام
موعد شرکت می‌کنند.

۱-۶. تقوا و پرهیزگاری

امام صادق علیه السلام به صراحة، تقوا را پیش‌شرط یاوری امام زمان علیه السلام معرفی کرده و می‌فرماید:

مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلَيَتَنْظِرْ وَ لِيَعْمَلْ
بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ
بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجَدُّوا وَ انتَظِرُوا؛

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۰۸.

۲. نعمانی، الغيبة، ص ۲۰۰.

هر کس که بودن در شمار یاران قائم شادمانش می‌سازد، باید
در انتظار باشد و با حال انتظار به پرهیزگاری و خلق نیکو
رفتار کند. پس اگر اجلس بر سر و امام قائم پس از درگذشت
او قیام کند، بهره او همچون بهره کسی است که آن حضرت را
دریافته باشد. پس بکوشید و منتظر باشید!

معلوم می‌شود که هیچ کسی بدون داشتن این ویژگی ممتازی که قرآن
کریم مکرراً بر آن تأکید کرده است، شایستگی قرار گرفتن در زمرة
اصحاب امام زمان ﷺ را نخواهد داشت.

۷-۱. اخلاق محوری

زندگی بر محور اخلاق اسلامی، یکی دیگر از صفات و خصوصیات ممتاز
یاران امام عصر ﷺ است؛ چنان‌که به این مقوله در حدیث سابق، امام
صادق علیه السلام با عبارت: «مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ
بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ...» بیان گردید.

این نکته در ضمن تفسیری از ایشان، ذیل آیه مهدوی نیز به چشم
می‌خورد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرَثَدَ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ
فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذْلَلُهُ عَلَىٰ

الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ...»^۱; ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما که از دین خود برگردد (به خدا ضری نمی‌زند، چون) خداوند در آینده، قومی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند. آنان نسبت به مؤمنان نرم و فروتن و در برابر کافران سرسخت و قاطعند... .

ایشان، یاران امام عصر^۲ را از مصدق‌های کامل این آیه دانسته و فرمودند:

آنان، همان کسانی هستند که خداوند درباره آنان فرموده:
 «خداوند به زودی گروهی را خواهد آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان نیز او را دوست می‌دارند؛ در برابر مؤمنان فروتن و در برابر کافران باعزم، درشت‌خو و سخت‌گیرند.^۳

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، به فروتنی در برابر مؤمنان و عزت‌طلبی، که دو خصوصیت مهم اخلاقی‌اند، در یاران امام عصر^۲ تصریح شده است.

۱-۸. نصرت دین خدا و ترویج احکام الهی

سننهای الهی فراوانی در هستی جاری است که قرآن کریم به برخی از آنها اشاره کرده است. یکی از آنها، سنت نصرت در مقابل نصرت است.

۱. مائدہ، آیه ۵۴.

۲. نعمانی، الغيبة، ص ۳۱۶.

قرآن می فرماید: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُبَيِّنُ أَقْدَامَكُمْ»؛^۱ اگر خدا را یاری کنید، یاری تان می کند و گام هایتان را استوار می دارد.

یکی از ویژگی های انصار حضرت مهدی ﷺ، دغدغه ترویج دین حق و رساندن آن به مردم است. امام سجاد علیهم السلام در شمارش اوصاف کسانی که منتظر آقا امام زمان ﷺ هستند، فرمود:

إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ يَأْمَمَتِهِ وَ الْمُنْتَظَرِينَ لِظُهُورِهِ
أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ ... أُولَئِكَ الْمُخْلَصُونَ حَقًا وَ شِيعَتُنَا
صِدْقًا وَ الدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ سِرًا وَ جَهْرًا؛^۲ مردم
زمان غیبت او، که معتقد به امامت او بوده و منتظر ظهورش
هستند، از مردم هر زمانی برترند... آنان به حق، مخلسان و
به درستی، شیعیان ما و دعوت کنندگان به دین خدا در پنهان و
آشکارند.

۹-۱. کارآمدی و تخصص

شاید برخی چنین پندارند که یاران حضرت مهدی ﷺ تنها اهل مسجد و عبادتند و بس؛ در حالی که یاران امام زمان علاوه بر تعهد، بر طبق آموزه های قرآنی، تخصص هم دارند. شخصی از امام صادق علیهم السلام پرسید: آیا در هنگام ظهور، مؤمنی غیر از آن ۳۱۳ نفر نیست؟ ایشان فرمودند:

۱. محمد، آیه ۷.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۰.

بَلَى، وَلَكِنْ هَذِهِ الْعِدَّةُ الَّتِي يُخْرِجُ اللَّهُ فِيهَا الْقَائِمَ، هُمُ
النُّجَابَاءُ وَالْقُضَاءُ وَالْحُكَّامُ وَالْفُقَهَاءُ فِي الدِّينِ؛^۱ بله، ولی این
عدهای که حضرت قائم با آنها قیام می‌کند، از نجیبان،
قاضیان، حاکمان و فقهیان دین هستند.

از این روایت فهمیده می‌شود که برای قرار گرفتن در کادر حضرت، تنها
تعهد، ایمان و محبت به امام کافی نیست. امام زمان^ع قرار است تمام دنیا
را اداره کند و به همین علت، به یاران زبدہ و دارای تخصص در زمینه‌های
گوناگون نیاز دارد.

اساساً مدیریت و حکومت، به لیاقت و صلاحیت‌های خاصی نیاز دارد؛ لذا
قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادُ الصَّالِحِينَ».^۲ طبق این آیه
شریفه که از جمله آیات مهدوی است، وارثان زمین دو ویژگی دارند:
یکی، بنده خدا بودن و داشتن تقوای الهی و دیگری برخورداری از
صلاحیت که همان لیاقت، تخصص و مدیریت لازم است.

۱. محمدبن جریر طبری‌آملي، دلائل الامامه، ص ۵۶۲.

۲. انبیاء، آیه ۱۰۵.

۱-۱. توانایی جسمانی

اگر پیش‌تر گفتیم که حکومت حضرت مهدی ﷺ علاوه بر تأییدات الهی، متکی به مؤمنان صالح و جریان عادی است، بنابراین برای کارآمدی، قدرت جسمانی یکی دیگر از صفات اصحاب امام زمان ﷺ است. این بدان جهت است که انجام مدیریت امور سنگین با وسعت جهانی، نیازمند توانایی بدنی است؛ همچنان‌که در قرآن نیز درباره شرایط یک مدیر علاوه بر دارا بودن علم و دانش، قدرت جسمانی نیز طرح شده است: «و زادهٔ
بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ».^۱

در روایات مهدوی نیز به این ویژگی پرداخته شده است. امام سجاد علیهم السلام فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَ
جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَبُرَ الْحَدِيدِ وَ جَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ
أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ يَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَ سَنَامَهَا؛^۲ هنگامی که
قائم ما قیام کند، خداوند از شیعه ما آفت را برطرف سازد و
دل‌هایشان را همچون پاره‌های آهن کند و نیروی هر یک مرد
از آنان را به اندازه نیروی چهل مرد قرار دهد و فرمانروایان و
بزرگان روی زمین خواهند بود.

۱. بقره، آیه ۲۴۷.

۲. شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۵۴۱

هم‌چنین ابو بصیر گوید: شخصی از اهل کوفه از امام صادق علیه السلام پرسید: به همراه قائم چند نفر خروج می‌کنند که می‌گویند: او به همراه ۳۱۳ تن که شمار اصحاب جنگ بدر است، خروج می‌کند؟ امام فرمود:

قالَ وَمَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي أُولِي قُوَّةٍ وَمَا تَكُونُ أُولُو الْقُوَّةِ أَقْلَى
مِنْ عَشَرَةِ آلَافٍ؛ او به همراه اصحابی نیرومند خروج می‌کند
و آن کمتر از ده هزار تن نیست.

۱-۱۱. صبر و استقامت

در احادیث معصومان علیهم السلام، صبر و پیروزی ملازم با هم هستند. در قرآن نیز بارها بر این اصل تصریح شده است؛ برای نمونه، در جریان نبرد طالوت و جالوت، از زبان یاران طالوت نقل می‌کند که آن‌ها در هنگامه جنگ از خدا مسئلت می‌کردند: «رَبَّنَا أَفْرَغَ عَلَيْنَا صَبَرًا وَ ثَبَّتْ أَقْدَامَنَا».^۱

در آیه‌ای دیگر از قرآن کریم نیز استقامت، مقدمه نصرت الهی معرفی شده و آمده است: «... فَصَبَرُوا عَلَيْ ما كُذُبُوا وَ أُوذُوا حَتَّى أَتَاهُمْ نَصْرُنَا»^۲؛ بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند، شکیبایی کردند تا یاری ما به آنان رسید.

۱. همان، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۴

۲. بقره، آیه ۲۵۰.

۳. انعام، آیه ۳۴.

بر این پایه، پیروزی امام زمان ع و تشکیل حکومت عدل جهانی، نیازمند صبر و استواری در امور بوده و عنصر صبر در انجام کارها نیز بی تردید، از صفات حتمی کارگزاران حضرت است؛ البته این صبر در باشگاه عصر غیبت کسب شده است؛ همچنان‌که امام حسین ع فرمودند:

مِنَّا أَثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْلُهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ وَآخِرُهُمْ
 التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يُحْيِي اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ
 مَوْتِهَا وَيُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْكَرَةُ
 الْمُشْرِكُونَ لَهُ غَيْبَةٌ يَرْتَدُ فِيهَا قَوْمٌ وَيَثْبِتُ عَلَى الدِّينِ فِيهَا
 آخَرُونَ فَيُؤْذَونَ وَيُقَالُ لَهُمْ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ،
 إِنَّ الصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَالْتَّكْذِيبُ بِمَنْزِلَةِ
 الْمُجَاهِدِينَ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ؛^۱ از ما (خانواده)

دوازده نفر مهدی هستند، که اولی ایشان امیر المؤمنین ع و آخرین آن‌ها نهمی از فرزندان من است؛ اوست قیام‌کننده به حق که خداوند به وسیله او زمین را پس از مرگش زنده گرداند و دین حق را به دست او بر تمامی ادیان پیروز کند، اگرچه مشرکان نخواهند. برای او غیبی است که جمعی در آن مرتد شوند و جمعی دیگر، ثابت‌قدم در دین بمانند و آزار شوند و به ایشان گفته شود: کجاست این وعده اگر راست‌گو

۱. علی بن محمد خزار، کفاية/الاثر، ص ۲۳۲.

هستید؟! هر آینه، برداران در غیبت او بر آزار و تکذیب

(مردم)، همانند جهادکنندگان با شمشیرند در رکاب رسول

خدا^{الله}.

۱۲-۱. اخلاص و انگیزه الهی

یارانی که با حضرت مهدی موعود^{علیه السلام} هستند، برای رسیدن به منافع شخصی خود قدم در راه یاری حضرت نهاده‌اند، بلکه تنها انگیزه ایشان خدا و تقرب به اوست و در این راه، از هیچ گونه حمایتی دریغ نمی‌ورزند. ایشان به گواه امام سجاد^{علیه السلام} در زمانه غیبت، مشق اخلاص را تمرین کرده‌اند:

إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ يَأْمَاتِهِ وَالْمُنْتَظَرِينَ لِظُهُورِهِ
أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ ... أُولَئِكَ الْمُخْلَصُونَ حَقًا وَ شَيْعَتُنَا
صِدْقًا؛^۱ مردم زمان غیبت او که معتقد به امامت او بوده و
منتظر ظهورش هستند، از مردم هر زمانی برترند... آنان
به حق، مخلسان و به درستی، شیعیان ما می‌باشند.

۱۳-۱. دوری از غرور

انصار امام زمان^{علیه السلام}، تربیت‌یافته‌گان مکتب قرآن هستند و همواره این سفارش خدای متعال را نصب‌العين خود می‌دانند که: «وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ»^۲؛ و هنگامی که تو تیر انداختی (و به هدف زدی)، تو نبودی (بلکه

۱. شیخ صدوق، *كمال الدين و تمام النعمه*، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲. انفال، آیه ۱۷.

مؤثر اصلی خدا بود؛ بدین جهت، در پیروزی‌های خود هرگز دچار غرور نمی‌شوند، که از آن‌ها جز این نیز توقع نیست.

۱۴-۱. روحیه جهاد و مبارزه

در فرهنگ قرآن، بارها این سنت الهی گوش‌زد شده است که یکی از عوامل نزول نصرت الهی، جهاد و مبارزه با ستمگران است. قرآن می‌فرماید:

﴿قَاتِلُوهُمْ يَعْذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيهِمْ وَ يُخْزِهِمْ وَ يَنْصُرُكُمْ عَلَيْهِمْ﴾^۱; با آنان بجنگید، تا خدا آنان را به دست شما عذاب و رسایشان کند و شما را بر ایشان پیروزی بخشد!

و نیز می‌فرماید:

﴿وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهَدِّيَهُمْ سُبْلَنَا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾^۲; و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است.

۱. توبه، آیه ۱۴.

۲. عنکبوت، آیه ۶۹.

به سبب این همه تأکیدات است که در مسئله ظهور امام زمان ع، روحیه جهادی یکی از صفات انصار حضرت معرفی شده است؛ برای نمونه، یکی از آیات مهدوی که درباره انصارالمهدی است، این آیه شریفه است:

﴿... يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذْلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعْزَّةٌ﴾

عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ

لَوْمَةً لَا يُمْلِمُ﴾^۱؛ خداوند... آنان را دوست دارد و آنان نیز

خدا را دوست دارند. آنان نسبت به مؤمنان، نرم و فروتن، و در برابر کافران، سرسخت و قاطعنده. در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت هیچ ملامت‌کننده‌ای نمی‌هراسند.

در این آیه، صفاتی برای یاران حضرت شمرده شده که از جمله آن‌ها جهاد و مبارزه است؛ از این رو، همه کسانی که مشتاق حضور در لشکر امام ع هستند، باید به این صفت مزین شوند.

۱۵-۱. اصلاح‌گری در جامعه

کسانی که آرزوی همراهی با مصلح کل و جهانی دارند، باید خود نیز از روحیه اصلاح‌گری در جامعه برخوردار باشند. تجلی عینی این روحیه در جامعه، امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف، نشانه عشق

۱. مائدہ، آیه ۵۴.

انسان به مردم است؛ نشانه تعهد و سوز و علاقه انسان به سلامتی جامعه است؛ نشانه فطرت بیدار است. امر به معروف و نهی از منکر، نوعی انضباط اجتماعی است؛ یعنی محدود کردن تمایلات اشخاص در برابر مصالح جامعه. در واقع، نوعی کنترل افراد لابالی است. امر به معروف و نهی از منکر، نشانه رشد است.

حضرت لوط ﷺ در برابر گروه گناهکار پرسید: «آیا در میان شما یک نفر رشید هست تا مانع این کار شما شود؟»^۱ آری! اگر ما از درون، مراقب خود باشیم و مردم از بیرون، مراقب ما باشند و در رأس، نظامی سیاسی و حکومتی مشوق خوبی‌ها و مانع بدی‌ها باشد، بهترین امت خواهیم بود؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: **﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أَمَّةٍ اخْرَجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾**^۲.

منتظر حقيقة و مشتاق ظهور که خواستار فraigیری توحید در جهان است، باید بداند که عزت یافتن کلمه توحید، به امر به معروف و نهی از منکر است. رسول خدا ﷺ فرمود:

کلمه «لا إله إلا الله» عذاب الهی را از انسان دور می‌کند؛

به شرط آن‌که این کلمه مبارک مورد تحقیر و استخفاف قرار

۱. **﴿إِلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَّشِيدٌ﴾**: هود، آیه ۷۸.

۲. آل عمران، آیه ۱۱۰.

نگیرد. مردی از پیامبر ﷺ پرسید: چگونه ممکن است کلمه

توحید مورد استخفاف قرار گیرد؟ فرمود: اگر گناهان علنى

انجام گيرد و کسی گناهکار را نهی نکند و او را تغیير ندهد، به

توحید اهانت شده است.^۱

اگر پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «آمران به معروف، خلیفه خدا در زمینند»^۲ و اگر

حضرت علیؑ بیان کرد: «امر به معروف و نهی از منکر، دو خلق از

اخلاق الهی است که هر کس این دو فریضه را یاری کند، خداوند به او

عزت می‌دهد»^۳، قطعاً آن‌هایی که در سایه ولایت مهدوی، فرمانروایان

زمین شده و بدین صورت عزت می‌یابند، باید با امر و نهی، چه در عصر

ظهور و چه در زمانه غیبت نیز با بهره‌گیری از این دو ابزار، به اصلاح

جامعه بپردازند.

از همین روست که امام زمان در آغاز قیام جهانی خویش و در عهده‌نامه‌ای

که با کارگزاران خویش می‌بندد، یکی از مفاد عهده‌نامه را التزام به امر به

معروف و نهی از منکر قرار داده و می‌فرماید: «أبَايْعُكُمْ عَلَى أَن... تَأْمُرُونَ

بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ».^۴

۱. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۶۶.

۲. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۷۹.

۳. شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۴۲.

۴. علی یزدي حائری، الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۶۸.

۲. شرایط مربوط به عموم مردم

غیر از شرایط انسانی مربوط به یاران و کارگزاران امام زمان ع، شرایط دیگری باید باشد که آن شرایط مربوط به عموم مردم است. البته وجه مشترک همه این شرایط، به تحقق آمادگی جهانی برای پذیرش حکومت امام زمان ع و عدالت او بر می‌گردد، به گونه‌ای که همه یک صدا از خدا درخواست کنند و بگویند: «انا نرغب اليك في دولة كريمة».^۱

آری! هر وقت مردم بتوانند امام و رهبری بر حق و معصوم را پذیرند، آن وقت امام زمان ع ظهور خواهند کرد.

برخی از این آمادگی‌ها که البته در سطح پایین‌تری از یاوران حضرت مهدی ع است، عبارتند از:

۱-۱. پذیرش روحی

همان گونه که در ابتدای این بخش، یکی از حکمت‌های آزمایش‌ها و بلاها در عصر غیبت را فراهم شدن شرایط انسانی ظهور دانستیم، بیان کردیم که گرفتاری‌ها، عامل بیداری فطرت انسان‌ها و توجه آن‌ها به پروردگار جهان و بازگشت به سوی اوست و این امر اجتناب‌ناپذیر است.

امام صادق ع فرمودند:

۱. شیخ کلینی، کافی، ج ۳، ص ۴۲۴.

پیش از ظهور قائم، نشانه‌هایی از جانب خدای
تعالی برای مؤمنان خواهد بود. گفتم: فدای شما شوم!

آنها کدام است؟ فرمود: قول خدای تعالی که: «وَ

لَئِلَّوْنَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ
الْأَمْوَالِ وَ الْأَنفُسِ وَ الْثَّمَرَاتِ وَ بَشْرِ الصَّابِرِينَ»^۱؛

می‌آزماییم مؤمنان را پیش از خروج قائم، به چیزی از

خوف (از پادشاهان بنی‌فلان در آخر سلطنت آن‌ها)،

گرسنگی (به واسطه گرانی قیمت‌ها)، کاستی در اموال

(كسادی داد و ستد و کمی سود)، کاستی در نفوس (به

واسطه مرگ و میر فراوان) و کاستی در ثمرات به

واسطه کمی برداشت محصولات زراعتی، و صابران را

مزده بده در آن هنگام به تعجیل خروج قائم.^۲

خداآوند، مصیبت‌ها را برای این جهت استخدام کرده است که با آن، انسان

را از دنیا قطع و به خود وصل کند؛ دست انسان را از دست دنیا درآورد تا

بتواند در دست خود قرار بدهد. تا دست شما در دست دوستان قرار دارد،

آیا می‌توانید با دوست دیگر تان دست بدھید؟ هرگز! شما مگر نمی‌گویید با

۱. بقره، آیه ۱۵۵.

۲. شیخ صدوq، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۹

یک دست نمی‌شود دو هندوانه برداشت؛ پس با یک دست هم نمی‌شود با دو نفر دست داد. پس انسان تا دست خود را از دست دنیا بیرون نکشد، نمی‌تواند با آخرت دست بدهد. باید از بیعت ظالم خارج شود تا بتواند با امام بیعت کند؛ از وادی کفر باید خارج شود تا بتواند به وادی ایمان وارد شود؛ همان‌گونه که تا آخرین ثانیه‌های شب پایان نیابد، وارد اولین ثانیه‌های روز نخواهد شد. پس مصیبت‌ها این هنر را به همراه دارند که دست انسان را برای همیشه از دست دنیا خارج کنند. خدا برای این‌که بخواهد انسان را نسبت به دنیا و دنیایی‌ها بی‌میل و رغبت کند، او را تحت فشار قرار می‌دهد و انواع مصیبت‌ها را بر او فرود می‌آورد. آری! انسانی که بی‌هوش شده است، به جهت به هوش آمدن گاه او را سیلی می‌زنند تا به هوش بیاید. مصیبت‌ها، سیلی خداوندند که بر صورت بی‌هوشان و سرمستان وادی دنیا نواخته می‌شود.

۲-۲. آمادگی معرفتی

طبق وعده‌های مکرّر قرآن، پیروزی نهایی با اسلام است و مردم سراسر جهان در آینده به سراغ اسلام می‌آیند و حکومت حضرت مهدی ع تشکیل می‌شود؛ اما این وعده‌ها شرایطی دارد و آن عبارت است از: توجه دنیا به اسلام و شناخت آن؛ علاوه بر آن، شناخت اجرائی‌نده قوانین اسلامی، یعنی حضرت مهدی ع از جمله آمادگی‌های فکری و معرفتی است که مردم باید به آن دست پیدا کنند. کسانی که امام زمان ع و عدالت

و رحمت او را نمی‌شناسند، چگونه تن به حکومت او خواهند داد و به او اعتماد خواهند کرد؟! امام زمان^ع وقتی ظهور می‌کند که آمادگی از هر جهت در میان مردم وجود داشته و مردم به معارف و اندیشه‌های قرآن و اسلام آگاه و آمادگی حکومت امام زمان^ع را داشته باشند.

۳-۲. تبعیت عملی

بزرگ‌ترین مشکلی که در طول تاریخ زندگانی امامان معصوم^{علیهم السلام} دیده می‌شود آن است که با وجود محبت مردم، آن‌ها عملاً از اهل‌بیت^{علیهم السلام} حرف‌شنوی نداشتند؛ این در حالی است که اگر انسان‌ها خواستار ظهور امام^ع هستند، باید آمادگی عملی و اطاعت‌پذیری از ایشان را داشته باشند تا رضایت خدای متعال جلب شده و اذن ظهور فرماید. در سخنی از امام باقر^{علیه السلام} می‌خوانیم:

ذِرْوَةُ الْأَمْرِ وَ سَنَامَهُ وَ مِفْتَاحُهُ وَ بَابُ الْأَشْيَاءِ وَ رِضا
الرَّحْمَنِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الطَّاعَةُ لِلَّامَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ؛ اسَاسُ
دِينِ اسْلَامٍ وَ كَلِيدُهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَتٍ وَ فَضْلٍ كَبِيرِيَايِي وَ نِيزُ
وَسِيلَهُ مَعْرِفَتِ أَشْيَايَا وَ فَلَاحٍ وَ رِسْتَگَارِي وَ اِيمَنٍ بُودَنَ اَز سُخْطَهِ
وَ غَضْبِ سَاحَتِ كَبِيرِيَايِي، بَرَ اِطَاعَتِ اَمَامٍ مُفْتَرِضِ الطَّاعَهِ
اسْتَوَارَ خَواهدِ بُودَ، پَسَ اَز اَيْنِكَهِ او را شَناختَهُ وَ بَهْ وَلَايَتَهُ
عَامَهُ او مَعْتَقَدَ باشَد.^۱

۱. شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۸۵.

خداوند نیز حتماً اگر این آمادگی را - که نشانه صداقت در درخواست فرج است - مشاهده کند، امر ظهور را نزدیک می‌فرماید.

۴-۲. تقوا و ترک گناه

باید بدانیم که ما وظیفه نداریم کارهایمان را تعطیل کرده و به دنبال دیدن امام زمان ﷺ برویم؛ کما این‌که یاران امام صادق علیه السلام وظیفه نداشتند به دنبال دیدن امام صادق علیه السلام بروند. آنچه مهم است، شناخت و اطاعت است؛ البته زیارت و ملاقات یک ارزش است، اما این‌که کارمان را رها کنیم و دنبال امام زمان ﷺ بگردیم، چنین تکلیفی نداریم. آری، زیارت امام ارزش است، اما حدیث و آیه‌ای نگفته کارت را تعطیل کن و به دنبال آقا بگرد! حدیث می‌گوید: «اتّقُوا اللَّهَ»؛ تقوا داشته باش! آن‌گاه خود امام به شما توجه می‌کند.

شخصی خودش را به آب و آتش زد که امام زمان ﷺ را ببیند تا بالأخره از طریقی فهمید که امام زمان ﷺ فلان روز، فلان شهر و فلان خانه تشریف دارند. به همان محل رفت و دید آن‌جا پیرمردی مشغول کار است و سید بزرگواری هم آن‌جا نشسته است - که بعد معلوم شد امام زمان ﷺ است. به او گفت: «چقدر خودت را به این طرف و آن طرف می‌زنی؟!» گفت: آقا! می‌خواهم امام زمان ﷺ را ببینم. او گفت: «مثل این پیرمرد، باتقوا و اهل انصاف باش؛ آن‌گاه خود امام زمان ﷺ نزد شما می‌آید.»

در داستان دیگری آمده: یک از علماء متوجه شد که امام زمان ﷺ در خانه‌ای وارد شده است. خود را به آن خانه رساند و دید زنی از دنیا رفته

و حضرت در کنارش نشسته است. پرسید: این زن چه کسی است که شما در هنگام مرگ به نزدش آمدید؟ حضرت فرمود: زمانی که رضاشاه حجاب را برداشت، این زن به خاطر تقوا هفت سال از خانه بیرون نیامد که پاسبان‌های زمان رضاشاه چادر از سرش نکشند. این طور تقوا داشته باشد تا امام زمان ع به شما توجه کند!

لازم نیست ما برویم جمکران؛ البته جمکران رفتن یک ارزش است، اما خیلی‌ها می‌پرسند: چه کنیم تا امام زمان ع را ببینیم؟ پاسخ آن است که اگر گناه نکنی، لیاقت ملاقات پیدا می‌کنی.

۲-۵. هم‌دلی در طلب ظهور

از جمله شرایط جامعه متنظر امام عصر ع وحدت در خواسته و هم‌دلی در امر ظهور است. این‌که یک یا چند نفر و یا گروه اندکی بخواهد امام زمان ع باید و حکومت جهانی را برپا کند، کافی نیست، بلکه باید اکثریت و عموم مردم در دل خود چنین خواسته‌ای را صادقانه داشته باشند. حداقل آن است که همه کسانی که به حضرت مهدی ع معتقد‌اند، بر محور ولایت مهدوی هم‌سخن و هم‌دل شوند، زیرا خود امام زمان ع فرمود:

وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَهُمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ
الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأْخَرَ عَنْهُمُ الْيُمْنُ يُلْقَائِنَا وَ
لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ يُمْشَاهِدَنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا

مِنْهُمْ؛^۱ اگر شیعیان ما — که خداوند توفیق طاعتش را
نصیبیشان فرماید! — وفای به عهد (ولایت ما که جانب خداوند
بر آنها قرار داده شده است) می‌کردند، از لقای مسرّت افزای
ما مأیوس و محروم نمی‌شدند و هر آینه به سرعت، ظهور و
مشاهده ما را به خاطر معرفت و صداقت‌شان درک می‌کردند.

۲-۶. یأس از حکومت‌ها و خستگی از مکتب‌های بشری
از جمله عواملی که زمینه‌های عمومی ظهور مهدی موعود را فراهم
می‌کند، آگاهی از ناکارآمدی مکاتب مختلف بشری و شیوه‌های گوناگون
حکومت‌داری است، زیرا در این صورت است که به دنبال مکتب و
حکومتی می‌گردند که آنها را حقیقتاً به سعادت دنیوی و اخروی برساند
و به صورت همه‌جانبه، خوش‌بختی ایشان را تضمین کند.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

دَوَلَتُنَا آخِرُ الدُّولِ وَلَنْ يَبْقَ أَهْلُ بَيْتٍ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مُلْكُوا
پیشنا لَئِلَّا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَنَا إِذَا مُلْكُنَا سِيرَنَا مِثْلَ سِيرَةِ
هَؤُلَاءِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛^۲ دولت ما
پایان دولت‌هاست، و هیچ قوم و خاندانی که بخواهند به
دولت و حکومت رستند به جای نمانند، جز این‌که بیش از ما
به حکومت رستند، تا این‌که چون راه و روش ما را ببینند،

۱. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹.

۲. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۴۷۳.

نگویند: چون ما به حکومت رسیم، مانند اینان رفتار کنیم، و همین است (معنای) گفتار خداوند: «و پایان کارها از آن پرهیزکاران است».

البته همین الان هم نشانه‌های این بیداری ملت‌ها و خستگی آن‌ها از مکاتب و حکومت‌ها هویدا شده است. به راستی، این چه قانون ظالمانه‌ای است که چند کشور در سازمان ملل حق و تو داشته باشند و اگر همه کشورها حرف حقی بگویند که با منافع آن‌ها در تعارض باشد، با این حق، آن را باطل کنند؟! داشتن این حق برای پنج کشور، توهین و تحقیر سایر کشورها و ملت‌های است که متأسفانه بارها دیده‌ایم که با همین حق نامشروع، حقوق ملت‌ها پاییمان شده است.

۷-۲. اطاعت از نایب امام و ولی‌فقیه

یکی دیگر از شرایط مردمی ظهور آن است که مردم با اطاعت از جانشینان و نایبان امام زمان صداقت خود را نشان دهند.

علت غیبت امام دوازدهم، عدم آمادگی مردم برای پذیرش رهبری امام است. خداوند آن حضرت را برای زمان مناسب ذخیره فرموده است، تا زمانی که رشد و فرهنگ مردم به جایی برسد که بتوانند نور امامت را درک و از آن بهره‌گیری کنند؛ از سوی دیگر، در زمان غیبت حضرت مهدی ما را به حال خود رها نکرده‌اند، بلکه ما را به پیروی از فقهاء و اسلام‌شناسان عادل و باتقوا که نواب عام آن حضرت هستند، سفارش

کرده‌اند؛ بنابراین، بر ما لازم است که در حوادث و مشکلات، گوش به فرمان حکم خدا که از طریق فقیه جامع الشرایط عادل به ما ابلاغ می‌شود، باشیم.

نقش ولایت فقیه، همان نقش امامت و تدوام خط انبیاست. اسلام، قوانینی درباره مسائل اقتصادی، جزائی، نظامی و قضایی دارد که نه اجازه می‌دهد آن احکام تعطیل شود و نه اختیار اجرای آن را به دست افراد جاہل به احکام می‌سپارد، بلکه اجرای آن را تنها به دست فقهای عادل و اسلام‌شناسان باتقوا سپرده تا در تمام حوادث، طبق قانون خدا حکم کنند و اطاعت از آن فقهاء همچون اطاعت از رسول گرامی ﷺ و امام معصوم ﷺ واجب دانسته است.

آیا مسلمانان نیاز به حکومت و نظام ندارند؟ آیا جامعه و کشور اسلامی نباید حفظ شود؟ آیا حفظ مرزها لازم نیست؟ آیا قوانین در کشور اسلامی نباید اجرا شود؟ آیا حق مظلوم نباید از ظالم گرفته شود و ظالم به مجازات برسد؟ آیا صدای اسلام نباید به همه دنیا برسد؟ آیا تلاش انبیا و امامان ﷺ تنها برای زمان خود آنان بود یا برای همه زمان‌ها و مکان‌ها؟

اگر پاسخ این پرسش‌ها، مثبت است و اسلام به نظام، حکومت، جامعه و قانون نیاز دارد و حفظ حقوق و مرزها مطرح است، باید در زمان غیبت نیز حکومت اسلامی باشد، زیرا بدون تشکیلات حساب شده و دقیق، به خصوص در زمان ما که تمام مخالفان اسلام دارای تشکیلاتی بس بزرگ

و دقیق هستند، هرگز نمی‌توانیم از قانون، مکتب، مرز، جان، مال و آبروی خود دفاع کنیم و اگر حکومت لازم است، حاکم هم لازم است، زیرا حکومت بدون حاکم محال است. اکنون که اسلام برای اجرای قوانین خود هم نیاز به حکومت دارد و هم حاکم، باید ببینیم حاکم باید چه شرایطی داشته باشد. آیا لازم است حکم خدا را عمیقاً بداند یا نه؟ آیا عدالت داشته باشد یا نه؟ آیا آشنا و آگاه به مسائل و حوادث باشد یا نه؟ اگر پاسخ مثبت است و به حاکم اسلام‌شناس باتقوا و سیاست‌مدار نیاز است، این همان است که ما آن را ولایت فقیه می‌نامیم.

۲-۸. دعای همگانی برای امام زمان^ع، وظیفه‌ای همگانی

در بسیاری از احادیث مهدوی، بر ضرورت دعا برای امام زمان^ع تأکید شده است و از مردم خواسته‌اند که برای حفظ دین و نیز تسريع در امر فرج، به درگاه الهی دعا کنند؛ حتی خود امام عصر^ع نیز فرمودند:

اکثروا الدعاء بتعجیل الفرج فأن في ذلك فرجكم^۱؛ برای تعجیل در فرج من زیاد دعا کنید، زیرا فرج شما در آن است.

اما شاید این سؤال به ذهن خطور کند که: چرا باید برای حضرت دعا کرد؟ پاسخ آن به دلایل زیر است:

۱. شیخ صدوق، *کمال الدین و تمام النعمه*، ج ۲، ص ۴۸۵.

۱. امام زمان ﷺ، یکی از مؤمنان است و پیامبر ﷺ خواسته است تا برای مؤمنان دعا کنیم.
۲. او فریادرس بیچارگان است. خود امام زمان ﷺ فرمود: «أنا غیرمهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم». ^۱
۳. او احیاگر دین خداست: «أین محیی معالم الدین»^۲، و نیز: «لینظهرة عَلَيِ الدِّينِ كُلُّهُ».^۳
۴. امام زمان ﷺ مضطر است. از امام باقر علیہ السلام در تفسیر «أَمَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَ إِذَا دَعَاهُ»^۴ سؤال شد؛ فرمود: «نزلت في القائم»^۵؛ درباره حضرت قائم ﷺ نازل شده است.
۵. او عامل تأليف دلهاست: «أین مؤلف شمل الصلاح و الرضا». ^۶
۶. او مهربان است. امام صادق علیہ السلام در وصف ائمه علیہما السلام، که امام زمان ﷺ نیز یکی از آنهاست، فرمود: «وَاللهُ لَنَا أَرْحَمُ بَكُمْ مِنْكُمْ بِأَنفُسِكُمْ»^۷؛ به خدا قسم، من از شما نسبت به خودتان مهربان ترم.

۱. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۵.

۲. علی بن موسی بن طاووس، اقبال الاعمال، ص ۲۹۷.

۳. توبه، آیه ۳۳.

۴. نمل، آیه ۶۲.

۵. نعمانی، الغيبة، ص ۳۱.

۶. علی بن موسی بن طاووس، اقبال الاعمال، ص ۲۹۷.

۷. محمد بن جریر بن طبری، دلائل الاماکن، ص ۱۳۴.

۷. قبولی اعمال ما بر طبق روایات، وابسته به حضرت مهدی^ع است.

۸. به وسیله حضرت ولی عصر^ع از ما دفع بلا می شود. ایشان فرمود: «بی یدفع الله عز و جل البلاء عن أهلي و شيعتي»^۱; به وسیله من است که بلا از اهل و شیعیانم دفع می شود.

۹. عدالت‌گستر است، همچنانکه انبوهی از روایات بر این مطلب گواهی می دهند.

۱۰. امام زمان^ع از ما شفاعت می کند. رسول خدا^{علیه السلام} در وصف امام عصر^ع فرمودند: «المهدی شفیعهم یوم القيامة».^۲

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۱.

۲. علی یزدی حائری، الزام الناصب، ج ۱، ص ۱۷۴.

خاتمه: پاسخ به چند پرسش

مقدمه

در این نوشتار سعی کردیم تا ضمن توضیحاتی درباره ظهور، لزوم آماده کردن شرایط ظهور و نیز موارد آن را گوشزد کنیم؛ اما ممکن است پس از خواندن این مطالب در زمینه شرایط ظهور امام زمان^ع و یا احياناً شبهاًتی که دشمنان مهدویت در رسانه‌های خود القا می‌کنند، سؤال‌هایی در این زمینه طرح شود؛ به همین جهت، در خاتمه این کتاب سعی شده است به چند پرسش متداولی که در این زمینه وجود دارد، به اختصار پاسخ داده شود.

۱. پرسش: در برخی احادیث آمده: اگر کسی پیش از قیام امام زمان ع قیام کند، قیامش باطل است. منظور از این روایت چیست؟

پاسخ: احادیثی که می‌گویند: پیش از قیام امام زمان ع کسی قیام نکند، یا جعلی و دورغین هستند و یا مقصود آن فهمیده نشده است. مورد این روایت در جایی است که کسی پیش از ظهور حضرت مهدی ع قیام و مردم را به سوی خودش دعوت کند و اساساً خودش طاغوت باشد؛ همچنان‌که در همین حدیث به آن تصریح شده است:

كُلُّ رَأْيٍ تُرْفَعُ قَبْلِ قِيَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ يُعْبَدُ
مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛^۱ هر پرچمی که پیش از قیام حضرت
قائم ع برافراشته شود، صاحب آن طاغوت و سرکشی است

که در برابر خداوند پرستیده شود.

اما اگر کسی قیام کند تا زمینه را برای ظهور حضرت مهدی ع فراهم کند، به هیچ وجه این قیام باطل نیست، زیرا اگر همه چیز را قرار است خود امام زمان ع درست کند، پس این همه آیات دفاع از مظلوم، در دهان ظلم کوبیدن، نهی از منکر و اجرای حدود اسلامی، برای چیست؟ مگر می‌شود دستورات قرآن بیش از هزار سال و تا زمان ظهور امام زمان ع تعطیل شود؟

۱. شیخ کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۹۵.

درباره فهم این گونه احادیث باید بدانیم که معصومان علیهم السلام در روایات دیگری فرموده‌اند که هر حدیثی از طرف ما به شما رسید، آن را به قرآن عرضه کنید و در صورت مخالفت با قرآن، آن را کنار بگذارید.

امام صادق علیه السلام در ضمن سخنی فرمود:

ما وَأَقَّ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ^۱
آنچه موافق قرآن است، بگیرید و آنچه مخالف قرآن است،
رها کنید.

در برخی منابع اهل سنت آمده است که از حاکم جامعه، هر چند ظالم باشد، اطاعت کنید؛ این در حالی است که قرآن می‌گوید: «لَا تُطِعْ مَنْهُمْ أَثِمًا أَوْ كُفُورًا». ^۲ این آیه دستور می‌دهد که اگر کسی گناه می‌کند، نباید از او اطاعت کنیم و از همینجا ساختگی و جعلی بودن این حدیث معلوم می‌شود.

مؤید این امر، قیام جناب زید، پسر امام سجاد علیهم السلام است که مورد تأیید ائمه علیهم السلام واقع شده است و ایشان از او حمایت کردند. هم‌چنین در نمونه‌ای دیگر، امام صادق علیه السلام با آنکه طبق حدیثی که سؤال درباره مفاد

۱. همان، ج ۱، ص ۶۹

۲. انسان، آیه ۲۴.

آن بود خود قیام را جایز نمی‌دانند، لکن برای خروج، چه در زمان هشام و چه در زمان‌های بعد، تشویق و به امر معروف و تزلزل سلطان مجتمع اشاره کرده و فرمودند:

لَا أَزَالُ أَنَا وَشِيعَتِي بِخَيْرٍ مَا خَرَجَ الْخَارِجِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ
وَلَوَدَدْتُ أَنَّ الْخَارِجِيًّا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ خَرَجَ وَعَلَى نَفَقَةِ
عِيَالِهِ؛ دوست داشتم تا کسانی که از آل محمد خروج کنند و
من عهدهدار مخارج آنها باشم، چون مادامی که کسانی
خروج و قیام کنند، من و شیعیانم در راحتی هستیم.

۲. پرسش: با وجود لزوم اطاعت از امام عصر، حال که امام زمان ع
غایب است، چگونه می‌توانیم مطمئن شویم که بر طبق خواسته ایشان
رفتار کرده‌ایم؟

پاسخ: در زمان غیبت حضرت مهدی ع ما را به حال خود رها نکرده‌اند،
بلکه ما را به پیروی از فقهاء و اسلام‌شناسان عادل و باتقوا که نواب عام آن
حضرت هستند، سفارش کرده و فرموده‌اند:

أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجُعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاهَ حَدِيثَنَا فَإِنَّهُمْ
حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛ در حوادث جامعه و

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۵۴.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴.

پیش آمدها، به علما و دانشمندانی که علوم ما را نقل می‌کنند
(یعنی فقهیان) مراجعه کنید که من آنها را حجت در میان
شما قرار دادم و خودم حجت خدا بر ایشان هستم.

بنابراین، بر ما لازم است که در حوادث و مشکلات، گوش به فرمان حکم
خدا که از طریق فقیه جامع الشرایط عادل به ما ابلاغ می‌شود، باشیم؛ البته
این مجتهد خصوصیاتی دارد که امام حسن عسکری علیه السلام درباره آن فرمود:
هر فقیهی که مراقب نفسش بوده و حافظ دین خود است
و با نفس خود مخالف است و مطیع امر مولی می‌باشد، بر
عوام است که از چنین فقیهی تقلید کنند، و این شرایط تنها
مشمول برخی از فقهاء شیعی می‌گردد، نه تمامشان.^۱

بنابراین، وظیفه ما اطاعت از مجتهد عادل است. اگرچه مجتهد امام معصوم
نیست، ولی از نظر عقل و از نظر اسلام، هر مسلمانی یا باید خودش فقیه
باشد و یا در گرفتن برنامه از فقیه کمک بگیرد. اگر فقیه راه را درست
رفت و اشتباهی نکرده بود، دو اجر دارد و اگر هم اشتباهی رفت، چون
عادل بوده است و خطای عمومی انجام نداده است، باز هم به خاطر
زحماتش اجر دارد. اگر هم کسی پیدا شد و گفت: فلان فقیه، فلان خطأ را
کرده است، باز هم مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ مثل این‌که انسان گاهی متوجه

۱. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص ۲۹۹.

می شود که فلان دوای فلان پزشک مؤثر نبوده است، اما کسی نمی تواند نسخه را بگیرد و پاره کند.

۳. پرسش: در احادیث فراوانی آمده است: امام زمان ع زمانی ظهور می کند که دنیا پر از ظلم و ستم شود. اگر این گونه است چه نیازی به آماده کردن شرایط ظهور است؟

پاسخ: باید دقیق کرد که در روایات مهدوی، عبارت «ظُلْمًا» آمده است و بین ظلم و ظالم فرق است. این احادیث می گوید: دنیا پر از ظلم می شود، نه پر از ظالم! توجه کنید که بین این دو فرق است، زیرا مثلاً شما یک وقت می گویید: وقتی دیوار اینجا را سفید می کنم که همه سیگاری شوید؛ اما گاهی می گویید: وقتی اینجا را سفید می کنم که اینجا پر از دود شود. ممکن است یک نفر، یک تن درخت را اینجا بیاورد و آن را آتش زده و در نتیجه آن اتاق پر از دود شود؛ کافی است یک دولت مانند آمریکا دنیا را به لجن بکشد و ممکن است کشوری مثل اسرائیل، یک منطقه را پر از فساد کند. بنابراین، این احادیث می گوید که زمانی حضرت می آید که دنیا پر از ظلم شود و این پر شدن، لزوماً به این معنا نیست که باید دنیا پر از ظالم شود؛ علاوه بر آن، دنیا همین الان پر از ظلم شده است، اما امام زمان ع هنوز ظهور نکرده‌اند. معلوم می شود که علت ظهور امام عصر ع این مطلب نیست، بلکه نبود شرایط ظهور است.

نکته آخر این‌که، فلسفه قیام امام زمان^ع از بین بردن ظلم و فساد است؛

حال چگونه می‌توان ظلم و فسادگری را شرط ظهور ایشان دانست؟!

۴. پرسش: آیا انتظار امام زمان^ع به معنای سکوت و بی‌تفاوتش در برابر ظلم است؟

پاسخ: ما هر شب منتظر طلوع خورشید فردا هستیم، اما معنای انتظار خورشید آن نیست که دست روی دست بگذاریم و تا صبح در تاریکی به سر بریم، بلکه هر کس اتاق خود را روشن می‌کند. ما در زمستان منتظر فرارسیدن تابستان هستیم، ولی انتظار تابستان به آن معنا نیست که در زمستان بزرگیم و اتاق خود را گرم نکنیم. در زمان غیبت امام زمان^ع نیز باید به مقدار توان خود با ظلم مبارزه کنیم و در صدد اصلاح خود و جامعه برآییم.

اگر در روایات می‌خوانیم: «أَفْضُلُ الاعْمَالِ انتِظَارُ الْفَرْجِ»^۱ و بهترین عمل را انتظار آمدن حضرت مهدی^ع دانسته‌اند، بر اساس این احادیث، انتظار، حالت نیست، بلکه عمل است: «أَفْضُلُ الاعْمَالِ»؛ بنابراین، منتظران واقعی باید اهل عمل باشند. منتظران مصلح باید خود صالح باشند. کسی که منتظر مهمان است، در خانه آرام نمی‌نشیند. آری، وظیفه مردم در زمان غیبت، خودسازی، امر به معروف، دعوت به حق و آگاهسازی دیگران است.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۰۸.

۵. پرسش: یکی از شرایط انسانی ظهور و نیز از جمله عوامل اصلی موفقیت در بلاها و امتحان‌های عصر غیبت، صبر و استقامت است. قرآن کریم، راه صبر بر مشکلات را چه می‌داند؟

پاسخ: راههایی که قرآن به ما ارائه می‌دهد، از این قرار است:

۱. داشتن جهانبینی الهی

قرآن در مدح افراد بايمانی که در برابر سختی‌ها صبور هستند، می‌فرماید: این‌ها به خاطر داشتن جهانبینی الهی، در مواجهه با حوادث می‌گویند: ما برای خدا هستیم، استقلالی از خود نداریم، طلبی هم از او نداشته‌ایم، وجود ما و نعمت‌های ما همه و همه از اوست و ما امانت‌داری بیش نیستیم؛ **﴿الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُّصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾**.

صابران، به جای خودباختگی و پناهندگی به دیگران، تنها به خدا پناه می‌برند، زیرا از دید آن‌ها، تمام جهان، کلاس درس و میدان آزمایش است که باید در آن رشد کنیم. دنیا، جای ماندن، خوابگاه و عشرتکده نیست و شداید و سختی‌های آن نیز نشانه بی‌مهری خداوند نیست. ناگواری‌ها برای آن است که زیر پای ما داغ شود تا تندتر و سریع‌تر حرکت کنیم؛ بنابراین، در تلخی‌ها نیز شیرینی است، زیرا شکوفا شدن استعدادها، کامیابی از

پاداشهای الهی را به دنبال دارد. این دید و جهانبینی، انسان را برای برخورد صحیح با حوادث آماده می‌کند.

۲. آگاهی از سنت‌های الهی

قرآن می‌فرماید: شما انسان‌های امروز متفاوت از انسان‌های پیشین نیستید که بدون هیچ آزمایش و رنج و زحمتی به بهشت برسید، بلکه باید همچون امت‌ها و شخصیت‌های دیگر در جریان سخت‌ترین حوادث قرار گیرید و آزموده شوید:

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَأْتِكُمْ مَثْلُ
الَّذِينَ خَلَا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَ الضَّرَاءُ
وَ زُلْزَلُوا حَتَّىٰ يَقُولَ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَىٰ
نَصْرُ اللَّهِ إِلَّا أَنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾؛^۱ آیا گمان می‌کنید
که وارد بهشت می‌شوید، بدون این‌که با حوادث
امت‌های پیشین برخورد کنید؟! مؤمنان پیش از شما
مردمی بودند که انواع سختی‌ها به آن‌ها رسید تا جایی
که اضطراب همه آنان را فراگرفت و پیامبر و مؤمنان
گفتند: کجاست یاری خدا؟ آگاه باشد! یاری خدا
نزدیک است.

۱. بقره، آیه ۲۱۴.

این آیه می‌گوید: در طول تاریخ، افراد با ایمان و حق طلب دچار سخت‌ترین ناملایمات شده‌اند، و اکنون نوبت شماست؛ بنابراین، نه ناگواری‌ها تازگی دارد و نه تنها شما هستید که گرفتار این سختی‌ها و مشکلات شده‌اید؛ این یک سنت الهی است که باید طی شود. قرآن مکرر می‌فرماید: «وَ اذْكُر فِي الْكِتَابِ ...»^۱ تاریخ پیامبران و امت‌های پیشین را یاد کنید تا فکر نکنید ناگواری‌ها برای شما بوده است؛ آن‌گاه به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ»^۲ تو نیز مانند سایر انبیا صبور باش!

آری، انسان اگر بداند که ناگواری‌ها، هم یک قانون و سنت است و هم عمومی و همگانی، آمادگی بیشتری پیدا می‌کند. ما در ماه رمضان، خیلی راحت روزه می‌گیریم، چون عموم مردم در آن ماه روزه هستند، اما در غیر ماه رمضان، روزه گرفتن سخت و دشوار است.

۳. آشنایی با صابران و چگونگی صبرشان

اطلاع از استقامت پیشینیان، یکی از رمزهای موفقیت در برخورد با حوادث است. قرآن در این زمینه بسیار سخن گفته و الگوها و مدل‌های صبر و استقامت را از افراد و امت‌های پیشین بیان کرده است. قرآن می‌فرماید: پیامبران الهی در برابر سرسخت‌ترین مخالفان خود

۱. مریم، آیات ۴۱ و ۵۱.

۲. احقاف، آیه ۳۵.

می گفتند: ﴿وَلَنَصِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا﴾^۱; ما در برابر آزار شما استقامت خواهیم کرد؛ چنان‌که ساحرانی که به دعوت فرعون برای مقابله و محکوم کردن حضرت موسی ﷺ آمده بودند، همین که به حقانیت موسی پی برند، ایمان آورند و در برابر تهدیدات فرعون گفتند: ﴿فَأَفْضِلُ مَا أُنْتَ قَاضِيَ اِنَّمَا تَقْضِي هِذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾^۲; هر کاری می‌توانی و هر حکمی می‌خواهی در باره ما اجرا کن! ما راه خود را پیدا کرده‌ایم و از مسیر حق دست برنمی‌داریم.

آری، علم به تاریخ گذشته، در صبر و برداشت انسان بسیار مؤثر است، همان‌گونه که علم به اسرار آینده در صبر و تحمل انسان اثر می‌گذارد. حضرت خضر ﷺ به موسی گفت: چون تو از اسرار حوادث و کار من خبر نداری، صبر و تحمل نخواهی کرد: ﴿وَ كَيْفَ تَصِيرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحْطِطْ بِهِ خُبْرًا﴾.^۳

۴. توجه به حضور خدا

اگر انسان بداند و باور داشته باشد که خداوند بر تمام اعمال و رفتار و حتی افکار او آگاه است و در همه حال، حاضر و ناظر بر اوست، در برابر

۱. ابراهیم، آیه ۱۲.

۲. طه، آیه ۷۲.

۳. کهف، آیه ۶۸.

مشکلات صبر کرده و سختی‌ها بر او آسان و گاهی شیرین شده و خود به استقبال آن خواهد رفت. خداوند به موسی و هارون علیهم السلام می‌گوید: شما نزد فرعون بروید و سخن حق خود را به گوش او برسانید و او را به یکتاپرستی دعوت کنید! بدانید من با شما هستم؛ کارتان را می‌بینم و گفت و گوهايتان را می‌شنوم: «أَنَّى مَعَكُمَا اسْمَعُ وَ ارِيٰ».^۱

هم‌چنین خداوند برای عذاب قوم نوح و نجات افراد با ایمان، به حضرت نوح علیهم السلام دستور داد که زیر نظر ما کشته بساز: «وَ اصْنَعْ لِلْفَلَكَ بِاعْيُنِنَا».^۲ حضرت نوح علیهم السلام که ساختن کشته را شروع کرد، کفار او را مسخره کرده و گفتند: گویا پیامبری شما نگرفت و اکنون دست به نجاری زده‌ای! ولی چیزی که موجب مقاومت حضرت نوح علیهم السلام در برابر این طعن‌ها می‌شد، همان جمله خدای متعال بود که: تو پیش چشم ما هستی و کار تو زیر نظر ماست. چنین ایمان و بینشی، روح استقامت را در انسان زنده می‌کند.

۵. توجه به پاداش الهی

از جمله مواردی که روح استقامت را در انسان زنده می‌کند، توجه به آثار مثبت و اجر و پاداش الهی است، زیرا تحمل سختی‌ها، بزرگ‌ترین پاداش دنیوی و اخروی را برای انسان در بردارد. در قرآن نمونه‌های فراوانی از این امتیازها به چشم می‌خورد.

۱. طه، آیه ۴۶.

۲. هود، آیه ۳۷.

كتاب ذاته:

١. قرآن کریم
٢. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق)، الخصال، جامعه مدرسین، قم ۱۴۰۳ق.
٣. ابن بابویه، عيون أخبار الرضا، جهان، بیجا، ۱۳۷۸ق.
٤. ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، دارالکتب الاسلامیه، قم ۱۳۹۷ق.
٥. ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۷.
٦. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، مکتبه بنی هاشمی، تبریز ۱۳۸۱ق.

۷. امام عسکری، ابو محمد حسن بن علی، *تفسیر الامام العسکری علیہ السلام*، مدرسه امام مهدی علیہ السلام، قم ۱۴۰۹ق.
۸. بحرانی، حسن بن شعبه، *تحف العقول*، جامعه مدرسین، قم ۱۴۰۴ق.
۹. بحرانی، سیدهاشم البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران ۱۴۱۶ق.
۱۰. پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفلاح*، دنیای دانش، تهران ۱۳۸۲.
۱۱. حر عاملی، محمدبن حسن، *وسائل الشیعه*، مؤسسه آل‌البیت علیہ السلام، قم ۱۴۰۹ق.
۱۲. خراز قمی، علی بن محمد، *کفاية الأثر*، بیدار، قم ۱۴۰۱ق.
۱۳. رضی، محمدبن حسین، *نهج البلاغه*، دارالهجرة، قم، بی‌تا.
۱۴. طبرسی، احمدبن علی، *الاحتجاج*، مرتضی، مشهد ۱۴۰۳ق.
۱۵. طبری‌آملی، محمدبن جریربن رستم، *دلائل الإمامه*، مؤسسه البعثة، قم ۱۴۱۳ق.
۱۶. عروسی‌حویزی، عبدالعلی‌بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، اسماعیلیان، قم ۱۴۱۵ق.
۱۷. عیاشی، محمدبن مسعود، *تفسیر العیاشی*، چاپخانه علمیه، تهران ۱۳۸۰ق.

۱۸. فیض کاشانی، ملام محسن، *تفسیر الصافی*، الصدر، تهران ۱۴۱۵ق.
۱۹. قمی، شیخ عباس، *مفایح الجنان*، فاطمة الزهرا، قم ۱۳۸۹.
۲۰. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، دارالکتاب، قم ۱۳۶۷.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *الكافی*، دارالکتب الإسلامية، تهران ۱۳۶۵.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، مؤسسه الوفاء، بیروت ۱۴۰۴ق.
۲۳. محمد بن حسن طویسی، *الغیبة*، مؤسسه معارف اسلامی، قم ۱۴۱۱ق.
۲۴. محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحكمه*، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶ش.
۲۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الإرشاد*، کنگره شیخ مفید، قم ۱۴۱۳ق.
۲۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة*، مکتبه صدوق، تهران ۱۳۹۷ق.
۲۷. نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، مؤسسه آل البيت، قم ۱۴۰۸ق.
۲۸. یزدی حائری، علی، *الoram الناصب*، مؤسسه الأعلمی، بیروت ۱۴۲۲ق.